

# قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

احمد میرفندرسکی

## دعوی ریگان - قذافی

دعوی ریگان - قذافی دوجنبه دارد ، حقوقی و سیاسی که در زیر به ترتیب مورد بررسی قرار خواهد گرفت .

### جنبه حقوقی دعوی

از لحاظ حقوقی دعوی ریگان - قذافی ، بر سر عرض آبهای ساحلی یا بقول دریای سرزمینی است . هر کشور ساحلی ذیحقی است مقداری از آب دریا را بعنوان جزئی از سرزمین و حیطه قلمرو خود بداند و حاکمیت تمام و کمال خود را در آن اعمال کند .

قذافی ادعا می کند که تمام خلیج سیرت جزو سرزمین دریائی و در نتیجه ملک طلق لیبی است . بنا به این ادعا حدود شمالی دریای سرزمینی لیبی ، خطی فرضی است که دردها به خلیج از بندر بسفاز در کناره شرقی خلیج تا طرابلس در غرب آن کشیده می شود . این همان خطی است که قذافی آنرا " خط مرگ " نامیده و هر کس را که بدون اجازه از آن عبور کند یا در آسمان روی آن پرواز کند تهدید به مرگ کرده است . آسمان روی آبهای سرزمینی هم شامل مقررات مربوط به دریای سرزمینی می گردد . برای اینکه مطلب را یاد دقت بیشتری بررسی کرده باشیم به وضع دریای سرزمینی در حقوق بین المللی اشاره می کنیم .

بقیه در صفحه ۲

### کلیله و دمنه اثری هندی و ایرانی

## کتاب کشورداری ،

### سیاست و حکمت

در صفحه ۶

## تفسیری بر میزان امام

در صفحه ۷

## پیام مشترک دکتر علی امینی و دکتر شاپور بختیار

### بمناسبت درگذشت آیت الله شریعتمداری

با کمال تأسف مطلع شدیم که حضرت آیت الله العظمی آقای سید کاظم شریعتمداری دعوت حق را اجابت گفتند . حضرت آیت الله شریعتمداری علاوه بر مرجعیت شیعیان و محبوبیت فوق العاده در میان ملت ایران به وطن دوستی و مخالفت با نفوذ بیگانگان در ایران و مخالفت با استبداد ، مشهور بودند . از فضائل آن مرحوم اعتقاد به شرکت مردم در تعیین سرنوشت خویش و عقیده به حاکمیت ملی و آزادی و احترام به آراء ملت بود . شاید اگر وسیله معالجه ایشان را در خارج از کشور فراهم می کردند ، در اتفاق افتادن ضایعه فوت ایشان تأسف خیر می شد . ما میدوایم که ملت ایران مخصوصاً هموطنان آذربایجانی با توجه به مظلومیت آن مرحوم ، مراسم ترحیم ایشان را با تجلیل کافی برگزار کنند و یادشان را زنده و پیوسته نگاهدارند .

شاپور بختیار

دکتر علی امینی

ح. متکان

## دنیای غرب و خندبینی

برنجاند با موقع آنها را تضعیف کنند . ماکه دستمان در کار است خودمان بقول معروف اهل بخیده ایم کاملاً متوجه بودیم در لحظات حساس مطبوعات و فرستنده های رادیویی کشورهای صنعتی غرب چه گونه به کمک رژیم آخوندها می شتافتند . بیهوده سخن آنکه رژیم به مناسبتی در محصله می افتاد در دیوه های خارجی و اغلب مطبوعات غرب گزارشی متنوعی انتشار می دادند که از نیات اقتصادی و سیاسی در جمهوری اسلامی حکایت داشت . هر چه ما ایرانی ها میخواستیم بسا وسایل محدودی که در اختیار داریم اوضاع واقعی ایران را برای اطلاع عالمیان تصویر کنیم و بگوئیم این شیات نیست ، این حقیقت است که سر

بقیه در صفحه ۱۲

فرهاد سرت (دانشیار دانشگاه پاریس)

## سیاست نفتی

### عربستان سعودی

عربستان سعودی از سال ۱۹۸۱ در برنامہ نفتی خود دواستراتژی بزرگ را دنبال کرده است که نه تنها در شیوه و شکل ، که در اهداف مورد تعقیب نیز عمیقاً متخالف اند .

نتایج این سیاست ها بر تحول بسا از بین المللی نفت بطور کلی و بر تأسف خیر گذاری عربستان سعودی و اوپک و رقابت اصلی اش بطور اخص چه بوده است ؟ این موضوعی است که به بررسی آن می پردازیم .

بقیه در صفحه ۱۱

دلایلی که برای برده پوشی بر اوضاع عمومی ایران وجود داشت کم کم از زمین می رود و مطبوعات خارجی در گزارشهایشان راجع به ایران مثل سابق دغلی نمی کنند .

مقاله اخیر " تایمز " لندن گواهی بر این مدعا است .

تا بجز در مقاله میسوی راجع به اوضاع داخلی ایران نوشته است : " هنگامی که نفت دربار آزاد دیشکته بی بیست دلار معامله میشد جمهوری اسلامی بدلیل نیاز شدید ارزی ، نفت خود را هر بشکه سیزده دلار می فروخت و با کاهش سریع قیمت نفت ، اکنون بهای هر بشکه نفت صادراتی ایران در بازار آزاد به ۹ دلار رسیده است . مشکلات ناشی از ادامه جنگ و پائین آمدن درآمدهای نفتی به درجه بی است که ظرفیت تولید صنعتی ایران به ۲۵ درصد کاهش یافته است .

در ادامه این گزارش که عنوان " ملتی با آرزوی مرگ " برای آن انتخاب شده است روزنامه تایمز متذکر میشود :

" با تبلیغات وسیع و مداوم دولتی ، مردمی که بجای پیشرفت سیرت هراسی می پیمایند تن سپردن به مرگ را با آخرین هدف زندگی تلقی میکنند ، زنان را به پوشیدن لباس عزا و میدارند و به کودکان می آموزند که با لاتریین قهرمانی کشته شدن است . بدین ترتیب ایران خود را به مرحله نابودی رسانده است . اوضاع حیرت آوری که ملت ایران دستخوش آنست با وقایع محراری کربلا قابل مقایسه نیست بلکه مشابه سلاخی های کامیوج است . این ، یکی از بدیده های وحشتناک عصر ما است .

تا بجز مطبوعات هم سطح آن در کشورهای اروپا تا چندین پیش راجع به اوضاع ایران با چنین لحنی اظهار عقیده نمی کردند . برعکس ، مراقب بودند چیزی ننویسند که آخوندهای تهران را

ماده ۱۰۴

## جنگ و صلح

### در روایت ملیون

مجله " مسائل - خارجی " چاپ ایالات متحده آمریکا ، بنقل از منابع اطلاعاتی آمریکا و اروپا ، از تکاپوی برداشته ملایان برای دستیابی به پناهاگهای امن و تدارک توشه های روزمیانها گزارشی جاندارانه تهیه کرده است .

این مجله می نویسد : " ملاهای حاکم در ایران ، مالیات و شروت خود را بر شتاب به کشورهای خارجی و مخصوصاً اروپا منتقل می کنند . و برای نمونه از اخبارهای عظیم فرش در آلمان فدرال خبر می دهد که : مدت ها است همچنان سر به مهر باقی مانده اند و پیدا است به این زودیها هم گسوده نخواهند شد .

این مجله که بدلیل دسترسی به اطلاعات دست اول شهرت فوق العاده ای دارد و بهمین جهت غالباً مورد استناد مطبوعات معتبر آمریکا می قرار میگیرد ، ضمن توضیح مفصلی از چگونگی اقدامات وسیع ملاها در انتقال شروت های کلان شخصی به خارج از کشور اشاره می کند : " در نیابری واقع در شهر فرانکفورت مجموعه ای از شاهکارهای بی رقیب و نفیس قالی ایران گرد آمده است که خبرگان بهای کلی آنرا تا یک میلیارد دلار تخمین میزنند و شواهدی در دست است که مسلم می دارد ، این مجموعه به چند تن از زعمای ردیف اول رژیم اسلامی متعلق است .

برداشت این مجله ، با توجه به شرائط دشوار اقتصادی و مشکلات خرید کننده های که رژیم را از هر سواحاطه کرده است ، به توجیه این نظر منتهی می شود که :

حس چنین شروت هنگمت ، بهیچ دلیل عقلانی بسته نیست ، جز آنکه به پذیریم این کلکسیون بی همتا ، از حوزه های اموال دولتی خارج شده است و ما حاکمان آن یعنی صاحب منحصان رژیم مملحت دیده اند ، این ذخیره ی گرانبهارا بصورت یک " پس دست " برای روزهای تیره در یکی از سرزمین های " شیطان " به ما منت بگذارد . . .

بقیه در صفحه ۱۰

## تحریم فرودگاههای جمهوری اسلامی ، سوریه ، لیبی

گردد ، امیدوارم که شرکت کنندگان در آن با تحریم فرودگاه های کشورهای خطا کار موافقت کنند .

خبرگزاری فرانسه

یک کارشناس انجمن بین المللی خلبانان خواستار تحریم فرودگاه های جمهوری اسلامی ، سوریه و لیبی شد .

بقیه در صفحه ۱۰



ترکیب یافته بود. شش مایل را بعنوان قاعده پذیرفته بود. گروه افزون طلب که شامل بلوک شوروی و سایر کشورهای عربی می شد طالب دوازده مایل بود. دلیل اینکه نیروهای معظم دریایی غربی (اتحاد شوروی آن زمان هنوز نیروی دریایی قابل توجهی نداشت) در حفظ و به کرسی نشاندن قاعده سه مایل اصرار میورزیدند این بود که می خواستند با کاستن از وسعت دریای سرزمینی قسمت های بیشتری از دریا را بعنوان دریای آزاد برای تأمین منافع نظامی و اقتصادی و سیاسی خود در اختیار داشته باشند. گروه افزون طلب برعکس دنبال وسعت هرچه بیشتر دریای سرزمینی بود. دلیل این افزون طلبی این بود که میخواستند از طرفی ناحیه وسیع تری را برای صید ماهی در اختیار داشته باشند و از طرف دیگر از حریم دریایی زیاده تری دربرآوردند و اما نوارهای نیروهای معظم دریایی برخوردار گردیدند. چه سرزمین دریایی بنا به حقوق دریا جزء لاینفک خاک کشور ساحلی است و از این جهت تمام ما زیر سلطه و حاکمیت آن کشور قرار می گیریم. این کیفیت شامل آسمان روی دریای سرزمینی نیست و می شود. حقوق دریا جز حق عبور بی ضرر آن هم تحت شرایطی حق دیگری برای گذر دریا دریای سرزمینی کشور دیگر قابل نیست.

بخود اختصاص دهد. قاعده دوم این بود که کشورها حق دارند علاوه بر دریای سرزمینی یک منطقه مجاور و یک ناحیه اقتصادی اختصاصی داشته باشند. در مورد پهنای منطقه مجاور و ناحیه اقتصادی اختصاصی توافق لازم بعمل نیامد. در نتیجه دریای چون گوشت قربانی لااقل روی کاغذ به تاراج رفت. کار تاراج بجای رسید که کشورهای امریکای لاتین در مرکز و جنوب این قاره به دنیا اعلام کردند که منطقه مجاور و ناحیه اقتصادی اختصاصی هر یک تا دو بیست مایل امتداد پیدا می کند. عجب اشتباهی!

### ادعای قذافی

با توجه به جزئیاتی که در بالا راجع به دریای سرزمینی مذکور افتاده و صحت و سقم ادعای قذافی را میتوان ارزیابی کرد. در باره آن قضاوت کرد. حال ببینیم قذافی چه می گوید. او مدعی است که تمام خلیج سیرت که دهانه آن ۲۷۵ مایل عرض دارد و طولش تا ساحل لیبی به ۱۵۰ مایل بالغ می گردد جزئی از خاک این کشور است. از ۲۲ درجه عرض شمالی که از دهانه خلیج سیرت می گذرد به بالا تا ۱۲ مایل دریای سرزمینی لیبی است. از این نقطه به بعد منطقه اقتصادی اختصاصی این کشور شروع میشود و عرض به ۱۸۸ مایل بالغ می گردد. به این ترتیب آبهای تحت حاکمیت لیبی تا ساحل جزیره مالک واقع در وسط دریای مدیترانه ادامه پیدا می کند. دعوی خود را قذافی نخست در سال ۱۹۷۳ مطرح کرد و از سال ۱۹۸۱ به بعد آن را مرتباً طی یادداشت های رسمی به اطلاع کشورهای خارجی میرسانید. در یادداشت های مذکور که آخرین آن در ژوئن ۱۹۸۵ ارسال شد لیبی اظهار می دارد از آنجا که خلیج سیرت برای امنیت لیبی اهمیت حیاتی دارد و داخل این کشور قرار گرفته است تمام کشتیها و شناهی که در آن هستند تحت حاکمیت دولت لیبی میباشد و دولت مذکور برای تأمین امنیت کامل خود بر خلیج سیرت در صورت لزوم به قوه قهریه توسل خواهد جست.

بقیه در صفحه ۴

## دعوی ریگان - قذافی

بقیه از صفحه ۱

### وضع دریای سرزمینی

نخستین فرمول یا ضابطه را در حقوق بین المللی برای تعریف عرض دریای سرزمینی، بیکرشوک (۱) در کتابش موسوم به "سلط بر دریا" (۲) در سال ۱۷۰۲ شرح زیور ارائه داد: "رو به رفته قاعده در محاسبه عرض آبهای ساحلی باید بردگلوله شود باشد. زیرا تا این مسافت است که کنترل ما بر دریا محرز است و میتوانیم از آن بعنوان مال خود دفاع کنیم. البته من با توجه به اوضاع و احوال و صلاحیاتی که در اختیار دارم سخن میگویم. والا وسعت آبهای ساحلی بستگی به برد و قدرت صلاحیاتی پیدا می کند که انسان در اختیار دارد. زیرا بر دو قدرت اسلحه است که مالکیت را تضمین می کند."

دولتها در عمل و حقوقدانان در قرن هجدهم فرمول بیکرشوک حقوق دان و قاضی هلندی را پذیرفتند و بر برد گلوله توپ "را سه مایل دریایی تعیین و ضبط کردند. جفرسون وزیر امور خارجه کشور جدیداً لتا" سین ایالات متحده آمریکا در مورد عرض دریای سرزمینی ایالات متحده به وزیران مختار انگلیس و فرانسه و با ارسال رونوشت نامه به قضاوت امریکائی در ۸ نوامبر ۱۷۹۳ چنین نوشت:

"رئیس جمهوری ایالات متحده با توجه به اینکه درباره عرض آبهای ساحلی نظرات مختلفی ابراز شده است و حداکثر عرض آنرا ۲۰ مایل یعنی تا جاییکه چشم کامری کند و حداقل آنرا به ۳ مایل بردگلوله توپ" ادعا کرده اند، فعلاً تا وضع قاعده مورد قبول همگانی بیه تا تخم متعینان فرما نبردا رخودت کشور می دهد عجلتاً "فاصله ۳ مایل دریایی را از ساحل، ملاک عمل خود قرار دهند. در مورد این فاصله مخالفتی نمی تواند وجود داشته باشد زیرا فاصله مذکور بعضی از کشورهای که با ما رابطه بازرگانی و دریا نوردی دارند قبول کرده اند و در مورد آبهای خودشان نیز مرعی می دارند."

یک قرن بعداً زنا م جفرسون قاعده برد گلوله توپ هنوز مورد تأیید همگانی قرار نگرفته بود، چنانکه اسپانیای دریای سرزمینی جزیره کوبا مستعمره خود را شش مایل دریایی تعیین کرده بود و هنگامی که ناوهای جنگی امریکا در جریان جنگ داخلی این کشور در سال ۱۸۶۲ این حد را مراعات نکردند به آن دولت تدبیراً "اعتراض کرد و وزیر امور خارجه امریکا در سامبرهان سنسال به این اعتراض جوابی به شرح زیر داد:

"علمای حقوق وقتی حد قدرت کشور ساحلی را برد یک گلوله توپ تعیین کردند در واقع قاعده ثابت و بی چون و چرائی وضع نکردند بلکه کوشیدند تا در حدود امکان تا بطنه ای بدست بدهند. والا کمی وزیادی بردگلوله توپ بستگی به شرایط تیراندازی و پیشرفت درامسربالستیک دارد. قضاوت بر اساس چنین متزلزل موجب بروز اختلافات و کشمکش های بی شماری گردد. حوزة قضاوت هر کشور در دریا میباشد به قدرت تعیین گردیده به نظراً ما کشنده به قدرت با توجه به این نکته ساسی بود که قاعده مایل دریایی وضع و پذیرفته شد. علمای حقوق در مورد دریای سرزمینی قاعده ۳ مایل را بوضوح تأیید کردند. اگر چه راست است که تمام کشورهای قاعده مذکور را تأیید نمی کنند و آنرا درباره خودشان لازم الرعایه نمی دانند معذالک ایالات متحده در این زمینه روی ۳ نکته تأکید کامل می کند و تذکر آنرا ضروری دانند. اول اینکه حد سه مایل دریایی را اکثریت کشورهای پذیرفته اند. دوم اینکه هیچ قاعده دیگری که نسبتاً "جنبه کلی داشته باشد مورد تأیید قرار نگرفته است. سوم اینکه اگر کشوری در مورد تعیین حد بیشتری برای خود برآمده است سلسماً "با تکیای نیروی دریایی اش بوده است و این امر مخالف تفاهم

عمومی است که بر سر بردگلوله توپ یعنی سه مایل دریایی حاصل شده است. بنا بر آنچه مذکور افتاد ایالات متحده حاضر نیست قبول کند که اسپانیای بدون جلب توافق ملل دیگر حاکمیت خود را بر قسمتی بیش از سه مایل از ساحل بر دریای آزاد برقرار رونتجست ایالات متحده را از حق که ما نسبتاً بر ملل دیگر در دریای آزاد دارم محروم کند". اسپانیاست از ادعای خود بر نداشت قرار شد اختلاف برای داوری به پادشاه بلژیک ارجاع شود ولی داوری مذکور صورت نگرفت و حکمی در این مورد که متواترست جنبه رویه ثنائی پیدا کند ما درنگردید.

### کنفرانس جامع ملل

جامعه ملل در سال ۱۹۳۰ اعضای خود را به کنفرانسی در لاهه فراخواند و موضوع دریای سرزمینی را در دستور کار کنفرانس قرار داد. از پرسش نامه ها که قبل از تشکیل کنفرانس برای اعضا فرستاده شد و پس از تکمیل به دبیرخانه جامع ملل عودت داده شده بود چند نکته استنتاج میشد. یکی اینکه کشورهای عضو همگی معتقد بودند که هر کشور حق دارد که بر بنده از آب دریا دورتا دور ساحل خود داشته باشد. اما در مورد عرض این که در میان نظرات دولتها تفاوت وجود داشت. دیگر اینکه اکثر کشورهای حاضر سه مایل دریایی موافق بودند در صورتیکه برخی از آنها عرض دریای سرزمینی خود را "سه شش و حتی دوازده مایل دریایی رسانده بودند. از این گذشته بعضی از کشورهای معتقد بودند قاعده سه مایل دریایی باید مورد تجدید نظر قرار گیرد و عرض دریای سرزمینی رسمماً در چهار روش و حتی هجده مایل تثبیت و اعلام گردد.

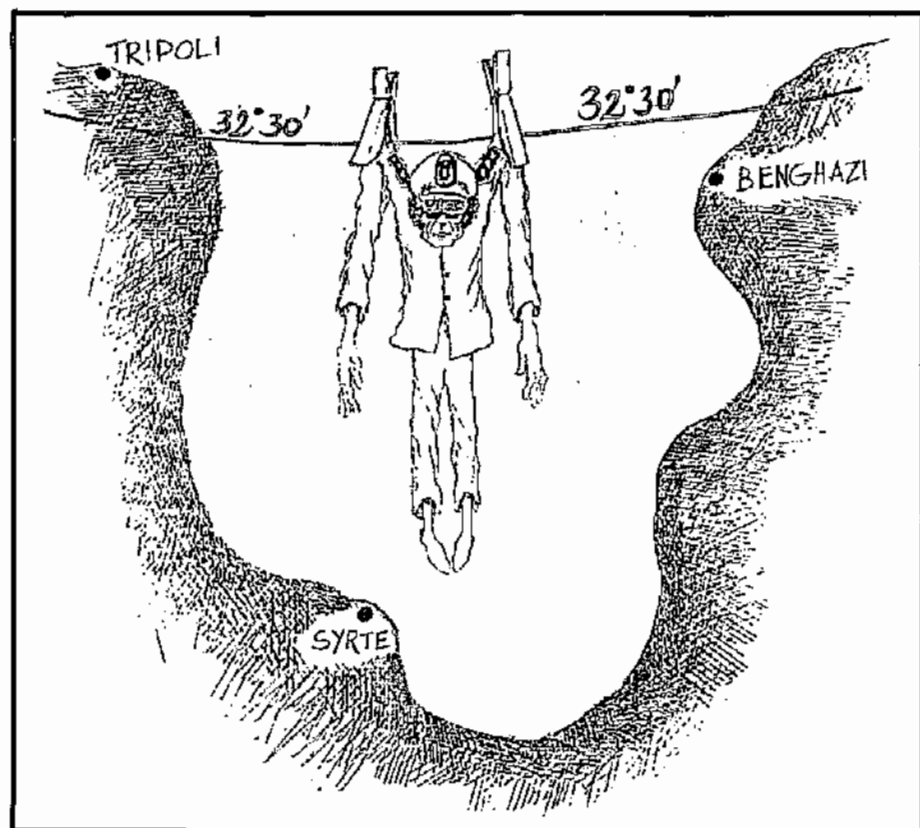
بررسی حدود دریای سرزمینی به کمیسیون دوم کنفرانس لاهه محول شد. از استدلالها و شباهت نظرات در کمیسیون مذکور تنها نتیجه مثبتی بدست نیامد بلکه سه مایل دریایی هم که از زیادت نسبی برخوردار بود بقول معروف شق و لقی شد. ژیدل (۳) عالم معروف حقوق و پیمان گزار حقوق دریا در کتابش "حقوق بین الملل دریا" درباره کار کمیسیون دوم کنفرانس چنین نوشت:

"امروز قاعده سه مایل بقی است شکسته. این بت شکسته جانشینی پیدا نکرده است."

### کنفرانس سازمان ملل متحد

سازمان ملل متحد در تلاش خود برای جستن جانشینی برای قاعده سه مایل وحل و فصل مسائل دریایی دیگر بر سر از اقدامات مقدماتی مفصل سرانجام کنفرانس حقوق دریا را در ژنو (مارس و آوریل ۱۹۵۸) تشکیل داد. کنفرانس مذکور که از هشتاد و شش کشورا عضسای آن زمان سازمان ملل تشکیل یافته بود چند موافقتنامه مربوط به دریای آزاد یا بقولی تیسه دریا - فلات قاره - حفاظت ماهی و حیوانات دیگر دریایی - رژیم حقوقی دریای سرزمینی امضا کرد. هر یک از موافقتنامه های مذکور پس از تصویب بیست و دو کشور امضاء کننده قوت قانونی پیدا می کرد.

کنفرانس حقوق دریا در تعیین عرض سرزمین دریایی و وضع قاعده کلی و قابل قبول همگانی توفیقی حاصل نکرد. هشتاد و شش کشور عضو کنفرانس در مورد وسعت دریای سرزمینی به سه گروه سنتی - میان نورو و افزون طلب تقسیم شدند. گروه سنتی که از بیست و یک کشور تشکیل شده بود در رأس آنها ایالات متحده و بریتانیای کبیر و فرانسه و بلژیک قرار داشتند معتقد بودند که پهنای دریای سرزمینی باید همان سه مایل باقی بماند. گروه میان نورو که از دوازده کشور منجمله ایران



### سفر جرج بوش به کشورهای خلیج فارس

به گزارش خبرگزاری فرانسه، دیسنامب جرج بوش، معاون ریاست جمهوری آمریکا، در حلقه‌ای از محافظان بی شمار و تدابیر بسیار شدید امنیتی، سفر رسمی خود به سوی خلیج فارس را آغاز کرد.

طبق گزارش خبرگزاری فرانسه، جرج بوش که در مرحله نخست سفر خود وارد فرانکفورت گردیده روز شنبه، فردا عازم ریاض و آنجا به ترتیب رهسپار بحرین، عمان و یمن شمالی خواهد گشت.

گفته می‌شود که دو ساله نخست و جنگ جمهوری اسلامی عراق، در رأس گفتگوهای جرج بوش با مقامات سعودی قرار خواهد داشت.

خبرگزاری فرانسه می‌افزاید: البته واشنگتن وانمود می‌کند که بوش طی مذاکراتش با مقامات سعودی خواستار کاهش میزان تولید نفت این کشور نخواهد شد، اما تخمین می‌دهد، مصالحه مطبوعاتی روز سه شنبه خود اعلام کرده بود که لزوم جلوگیری از سقوط قیمت نفت را در مذاکراتش مورد

تأکید قرار خواهد داد. بدیهی است، جلوگیری از سقوط بهای نفت بدون کاهش تولید نفت عربستان سعودی مقدور نخواهد گشت.

به نوشته خبرگزاری فرانسه، جرج بوش در گفتگوهایش پیرامون جنگ ایران و عراق، تأکید را روی مسئله تحکیم دفاع این ممالک در برابر خطر گسترش جنگ قرار خواهد داد. لازم نیست به یاد آوریم که کاخ سفید از جنگسره آمریکا آرزو داشته است که بسیاری تقویت بنیه دفاعی عربستان سعودی، به این کشور مقادیری سلاح پیشرفته و موشک بفروشد، که ارزش آن، بالغ بر ۳۴۵ میلیون دلار خواهد بود.

یک خبر دیگر حاکی از آنست که مأمورین قذافی نمایندگان تازه مقامات سعودی اعزام کرده است تا ریاض را واسطه بهبود روابط خود با آمریکا قرار دهد، اما به نوشته خبرگزاری فرانسه دولت آمریکا حتی بین آزرورد جرج بوش به عربستان سعودی، این تقاضا را رد کرده است.

خبرگزاری فرانسه ۵ آوریل

### ابراهیم یزدی در آمریکا

شرح زیر، قسمتی از مقاله‌ای است که در شماره ۱۸ دیماه ۱۳۶۰ قیام ایران منتشر شد و اما اکنون که آقای دکتر یزدی به ایالات متحده آمریکا مسافرت کرده است، تکرار آنرا مناسب حال دیدیم. ملاحظه می‌فرمائید که آقای یزدی سوگند یاد کرده است که "بموجب قانون هرگونه ماف موریتی که برای حفظ منافع عالی ایالات متحده آمریکا به وی محول گردد، انجام دهد و لاقبل باید این صفت وفاداری به سوگند را برای اوقاثل باشیم. باید به این سؤال جواب بدهیم که این سفر ماف موریتی برای حفظ منافع عالی کیست؟ بهرحال آنچه که واقعا... است. ما می‌توانیم بگوییم "جمعیتهای آزادی و حاکمیت ملت ایران" است. جمعیتهای که به ابتکار آقای مهندس مهدی بازرگان در جمهوری اسلامی تأسیس شده است و آن‌ها نشانگر اینک در مواد منشور، بر "مبارزه با استیلا بیگانگان" تأکید بسیار شده است. ظاهرا آقای مهدی بازرگان می‌خواهد با امثال دکتر یزدی، با استیلا بیگانگان مبارزه کند!

از قانون اساسی و قوانین ایالات متحده آمریکا، برخیزیم. دشمنان خارجی و داخلی این کشور، پشتیبانی و دفاع نخواهند کرد. من ابراهیم یزدی، ایمان راستین و وفاداری واقعی خود را نسبت به این قانون اساسی اعلام می‌دارم. من، ابراهیم یزدی، همچنین اعلام می‌کنم که هرگاه قانون طلب کند، به نام ایالات متحده آمریکا سلاح به دست نخواهم گرفت و یا به صورت خارج از صفت در نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا انجام وظیفه نخواهم کرد.

من، ابراهیم یزدی، اعلام می‌کنم که به موجب قانون، هرگونه ماف موریتی که برای حفظ منافع عالی ایالات متحده آمریکا، به من محول گردد، انجام نخواهم داد.

من، ابراهیم یزدی، اعلام می‌کنم که به این تعهدات، آزادانه و قارغاً زهرگونگی شرط با قصد بهانه و طفره‌ای، نگردن نخواهم داد و در مقابل این سوگند، خداوند را شاهد می‌گیرم.



این ترجمه دقیق و کلمه به کلمه سوگندی بود که آقای ابراهیم یزدی در مقابل مقامات دولت آمریکا با دکر دواین همان کسی است که در روزهای نخست پیروزی توطئه خمینی، در مقام رئیس دادگاه‌های انقلاب، ده‌ها بیگناه را به اتهام وابستگی به آمریکا به قتل رسانید. جانب‌ترین که، این تبعه، قسم خورده، آمریکا، در رأس جناح نمایی به اصطلاح ضد آمریکایی و انقلابی رژیم هم‌قصر گرفته، و حواس تریب سمت‌های ملکوت را برای ویرانی ایران و اجرای طرح از پیش تعیین شده‌اش سرعده داشت. وی به ترتیب فحشورای انقلاب، معاون نخست وزیر در امور انقلاب، مؤسس سپاه پاسداران، رئیس دستگاه امنیتی رژیم، وزیر امور خارجه، نماینده رژیم در امور شهرستانها، سرپرست مؤسسه گهسان بود و امروز نیز نماینده مجلس شورای اسلامی است.

### سؤال از دولت درباره صدور اسلحه به ایران

گزارش خبرنگار قیام ایران از لندن

چهارتن از اعضاء مجلس لردها درباره صدور اسلحه قاچاق آمریکا از طریق انگلستان، دولت انگلیس را در جلسه ۱۷ مارس ۱۹۸۶ مورد سؤال قرار دادند.

در این بحث پارلمانی نمایندگان شرکت ملی نفت ایران در لندن متهم به مشارکت در صدور اسلحه قاچاق به ایران گردید.

لردها کینگ که از طرف دولت انگلیس به این سؤال پاسخ می‌داد از دادن جواب صریح به پرسش‌ها و تکذیب امل موضوع خودداری کرد.

مذاکرات مجلس لردها انگلیس مورخ ۱۷ مارس ۱۹۸۶ لرد مک نیلر - جناب لردها اجازت می‌خواهم سؤال زیر را که در دسترس شماست از دولت انگلیس سؤال می‌نمایم که آیا می‌توانند آنها متهم وارد از طرف مجله فوربز (مورخ ۲۷ ژانویه ۱۹۸۶) را در ایران که دفتر شرکت ملی نفت ایران در لندن در مورد قاچاق لوازم مسروقه جنگی ساخت آمریکا به ایران همدستی دارد تأیید نمایند یا خیر و در صورت مثبت آیا این امر قانونی است.

وزیر کار (لردیا تک اوگرافام): جناب لردها، دولت در این مورد مدرکی ندارد و لذا نمی‌تواند درباره این اتهامات اظهار نظر نماید. صدور لوازم جنگی از انگلستان به کلیه مقاصد ممنوع است مگر این که کالاهای صادراتی دارای پروانه لازم باشد. مشروط بر این که کالاهای مذکور در مقاله مجله فوربز در انگلیس به سرعت ترخیص شده و از انگلستان خارج نشده باشد. طبق قوانین انگلیس هیچ نوع جرمی صورت نگرفته است.

لرد مک نیلر: جناب لردها، آیا جناب لرد می‌تواند بنمایاند بگوید که دولت انگلیس متهمان را از طرف دولت آمریکا تقاضای برای کمک دریافت نموده است که از ارسال وسائلی که به طور غیرقانونی از آمریکا تحصیل شده

باشد به ایران جلوگیری نماید؟ لردیا تک اوگرافام - بله، وزارت امور خارجه و امور کشور همای مشترک المنافع با مقامات دولت آمریکا درباره جهات مختلف جنگ ایران و عراق از جمله موضوع ارسال لوازم دفاعی در تماس نزدیک است. این تماس‌ها شامل مذاکرات درباره تهیه لوازم نظامی از طرف ایران در لندن بوده است.

لرد ویلیام اول ول: جناب لردها تصور می‌کنم در اینجا مسئله دیگری نیز مطرح است. شرکت ملی نفت ایران در این کشور به عنوان یک شرکت بازرگانی محصولات نفتی مستقر گردیده است. چنانچه در این شرکت برای مقاصد سوی آنچه که برای آن استقرار یافته مورد استفاده قرار گیرد بنا بر این اظهاراتیکه در این مورد به اداره مالیات داخلی داده شده است ممکن است برخلاف حقیقت باشد. آیا جناب لردها موافقت دارند که اداره مالیات داخلی در این صورت دارای اختیارات لازم به موجب قانون مالیات بردارند و مالیات بر شرکت ما محسوب ۱۹۷۰ بوده می‌تواند فعالیت این شرکت را مورد بررسی قرار دهد، مخصوصاً در مورد هزینه‌های تجاری در صورتی که چنین فعالیتی انجام شده باشد؟

لردیا تک اوگرافام: بله جنابان لردها ولی ما می‌توانیم به جناب لرد اطمینان بدهیم که ما هیچ گونه مدرکی درباره انجام چنین فعالیتی از طرف شرکت ملی نفت ایران نداریم.

لرد می هیو: جناب لردها وقتی جناب لرد می‌گوید که دولت مدرکی ندارد یا مفهوم آن اینست که دولت تحقیقی در باره این شرکت به عمل نیاورده است؟ لردیا تک اوگرافام: جناب لردها، فکر می‌کنم در کلیه موارد بهتر است گفته شود که دولت مدرکی در آن مورد ندارد و به نتیجه نمی‌تواند توضیح بیشتری دهد. چنانچه تحقیقاتی انجام شده باشد یا خیر یا توجه به اخذ نتیجه لازم از آن تحقیقات، به نظر من صلاح نیست که ما آن را به این طریق عنوان

### مراسم هفتمین روز درگذشت آیت الله شریعتمداری

#### در صحن حضرت معصومه

طی طیباتی قمی اعتراضی نکند و اگر رژیم را بخاطر دستگیری و محبوس کردن حضرت آیت الله مآذقی روحانی رسوا نکند فردا و فرداهای دیگر در انتظار سرنوشتی بسیار دشوار تر از امروز بایستد.

چینه متحدملی ایران با کسب اجازه از حضور مراجع تقلید و علمای عظام جهت تجلیل از مقام معظم سرح شیعیه مرحوم حضرت آیت الله انظلی سید کاظم شریعتمداری نب هفت ایشان را در صحن حضرت معصومه علیه السلام برگذار خواهد کرد.

چینه متحدملی ایران با کسب اجازه از حضور مراجع تقلید و علمای عظام جهت تجلیل از مقام معظم سرح شیعیه مرحوم حضرت آیت الله انظلی سید کاظم شریعتمداری نب هفت ایشان را در صحن حضرت معصومه علیه السلام برگذار خواهد کرد.

چینه متحدملی ایران با کسب اجازه از حضور مراجع تقلید و علمای عظام جهت تجلیل از مقام معظم سرح شیعیه مرحوم حضرت آیت الله انظلی سید کاظم شریعتمداری نب هفت ایشان را در صحن حضرت معصومه علیه السلام برگذار خواهد کرد.

چینه متحدملی ایران با کسب اجازه از حضور مراجع تقلید و علمای عظام جهت تجلیل از مقام معظم سرح شیعیه مرحوم حضرت آیت الله انظلی سید کاظم شریعتمداری نب هفت ایشان را در صحن حضرت معصومه علیه السلام برگذار خواهد کرد.

چینه متحدملی ایران با کسب اجازه از حضور مراجع تقلید و علمای عظام جهت تجلیل از مقام معظم سرح شیعیه مرحوم حضرت آیت الله انظلی سید کاظم شریعتمداری نب هفت ایشان را در صحن حضرت معصومه علیه السلام برگذار خواهد کرد.

چینه متحدملی ایران با کسب اجازه از حضور مراجع تقلید و علمای عظام جهت تجلیل از مقام معظم سرح شیعیه مرحوم حضرت آیت الله انظلی سید کاظم شریعتمداری نب هفت ایشان را در صحن حضرت معصومه علیه السلام برگذار خواهد کرد.

چینه متحدملی ایران با کسب اجازه از حضور مراجع تقلید و علمای عظام جهت تجلیل از مقام معظم سرح شیعیه مرحوم حضرت آیت الله انظلی سید کاظم شریعتمداری نب هفت ایشان را در صحن حضرت معصومه علیه السلام برگذار خواهد کرد.

دفتر سیاسی چینه متحدملی ایران تهران - ۶۵/۱/۱۵

# دعوی ریگان - قذافی

پنجمه از صفحه ۲

دولت های خارجی چندبار دعای قذافی را با آوردن دلائل حقوقی و تاریخی رد کردند و اظهار داشتند دعوی لیبی مبنی بر اینکه حق حاکمیت خود را بر اساس سنت های تاریخی اعمال می کند به هیچ وجه قابل قبول نیست زیرا عثماني ها و ایتالیائي ها که بر لیبی حکومت می کردند هیچ وقت چنین حقی در خلیج سیرت برای خود قائل نبودند. از نظر حقوقی تصاحب خلیج سیرت کاملاً غیرقانونی است و با موافقت نامه بین المللی حقوق دریا که در سال ۱۹۸۲ به امضا رسید و لیبی آنرا در سال ۱۹۸۴ بدون هیچگونه قید و شرطی امضا کرده است منافی است. بنا بر این نه از لحاظ جغرافیائی و نه از حیث تاریخی خلیج سیرت را نمی توان آب داخلی یا زبانه آب دریائی که در خاک پیشرفته باشد تلقی کرد. ایالات متحده آمریکا موافقت نامه حقوق دریا را که در سال ۱۹۸۲ بسته شد امضا نکرده است ولی قاعده مصرحه در موافقت نامه مذکور مبنی بر اینکه پهنای دریای سرزمینی نباید از ۱۲ مایل تجاوز کند قبول دارد. این مطلب را سخنگوی وزارت امور خارجه ایالات متحده ۲۴ مارس با درج نام متحده اعلام دارد دعوی لیبی را فقط دولت جمهوری افریقای جنوبی (که در دست زبیر سنگ قذافی است به رسمیت شناخته است

## جنبه سیاسی دعوی

ایالات متحده از سال ۱۹۷۳ که قذافی تمام خلیج سیرت را ملک طلق لیبی اعلام کرد با اوردن "چپ اقتصاد" دستگاه اداری ریگان نیز از آغاز قذافی رفتار بی ادبانه کرد که با جانبداری می کنند. زیرا او را عامل فساد و بی عدالتی و بی ادبی و تعزیه گردان در ترویس بین المللی میدانند. در ماه اوت ۱۹۸۱ دوماهیهای اف - ۱۴ آمریکا در هواپیماهای شکاری لیبی ساخت شوروی را در خلیج سیرت سرنوگن کردند. در اوایل سال ۱۹۸۲ گذشته لیبی موشکهای ساخت شوروی را که بردشان در حدود ۲۴۰ کیلومتر می باشد کار گذاشت. موشکهای مذکور قادر بود هواپیماهای اکتشافی را هدف گیری کند ولی برای هواپیماهای شکاری و جنگنده های سریع السیر خطری نداشت. سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در باره استقرار موشکهای مذکور اظهار داشت:

"موشکهای T. ۵۸ اس تناسبی بسیار احتیاجات امنیتی لیبی ندارد. در عین حال حاکی از گسترش نگران کننده روابط تسلیحاتی طرابلس و مکه می باشد. ایالات متحده توجه گرمی را به این موضوع جلب کرد ولی جواب قانع کننده ای نداشت.

یک هفته بعد عملیات تروریستی در فرودگاه های رم و وین صورت گرفت و مقامات آمریکا نتوانستند اسرائیل دفاع کنند لیبی را تنبیه کنند. اسرائیل چندان رغبتی به دلیل گرفتاریهایی که در جاهای دیگر داشت از خود نشان نداد. در نتیجه فکرتودهنی نظامی به قذافی تبدیل به مجازات های اقتصادی گردید. به آمریکا شایه ای که در لیبی کاسب بودند در منابع نفت کاری کردند دستور داده شد این کشور را ترک کنند. هیچ یک از متحده ایالات متحده در اروپا حتی انگلیس حاضر نشد بخاطر سودی که از قبایل تجارت و کسب و کار در لیبی می برد با واشنگتن همکاری کند. از شرح جزئیات زدو خوردی که در خلیج سیرت با پرتاب موشک های لیبی به سوی ناوگان آمریکا آغاز شد و با غرق دونا و چینه لیبی و کوبیدن با گاه موشکی بنسدر سیرت و بهلاکت رسیدن دو بیست ملوان لیبی پایان پذیرفت صرف نظر می کنیم و به نقل قول از لاری اسپیکس سخنگوی وزارت امور خارجه ایالات متحده اکتفا می نمائیم که یک روز بعد از آغاز زدو خورد گفت:

"همانطور که میدانید ما از سال ۱۹۸۱ این طرف هفت مرتبه به اصطلاح

از "خط مرگ" عبور کرده ایم. این بار هم عمل گذشته را تکرار کردیم. مطالب بالا را که مربوط به جنبه حقوقی مسئله است در سه نکته خلاصه می کنیم. اول اینکه ایالات متحده حق ندارد در خلیج سیرت که آبهای بین المللی و آزاد است همه گونه حضور داشته باشد. زیرا بنا به نص صریح موافقت نامه حقوق دریا که لیبی آنرا امضا و تصویب کرده است این کشور حق ندارد بیش از ۱۲ مایل از آب خلیج سیرت را بدینسان سرزمین دریائی در اختیار داشته باشد. دوم اینکه پاسخ ناوگان آمریکا بی تاثیر اندازی لیبی دفاع مشروع بوده است سوم اینکه ایالات متحده در کوبیدن سکان پرتاب موشک در بندرسیرت و غرق دونا و گان لیبی در دفاع مشروع تنها سبب حمله و ضرر حمله رعایت کرده است. بنا بر این از لحاظ حقوقی هیچ ایرادی این بار به ایالات متحده نمیتوان گرفت. فایده و منظور از این عملیات چیست؟ مقامات رسمی ایالات متحده و منظران سیاسی و ناظران امور بین المللی به پرسش فوق جواب ها می دهند که خلاصه ای از آنرا نقل و ارزیابی می کنیم. گاسپاروین سرگر، وزیر دفاع ایالات متحده در جوابی به سؤال بالا می گوید: "هدف ما هم همانطور که از آغاز اعلام کردید بکری نشان دادن اصل آزادی دریانوردی بود. تمرین های ما در آبهای بین المللی شناخته شده و صدمات دورتر از ساحل کشوری که دعای بی گسراف بر این آبها در صورت می گرفت. این کشور که لیبی باشد رسماً اعلام کرده بود که از این آبها با سلاح دفاع خواهد کرد. ایالات متحده و اکثر کشورهای دیگر موظفند این قبیل دعای گراف را که وظیفه هر کشوری که باشد تحقیر کند. ادعای لیبی چنان گراف و مهمیل است که حتی اتحاد شوروی هم آنرا نپذیرفته است. برای اینکه ثابت کنیم چنین ادعاهای برای ما قابل قبول نیست در آبهای بین المللی دور از ساحل کشورهای دوست و دشمن عملیات دریائی انجام داده ایم. لیبی تنها کشوری بوده که به آزادی دریانوردی در آبهای بین المللی مخالفت علنی در تهدید به سلاح کرده و تهدید را عملی کرده است. قذافی طبیعت غیرقانونی لیبی بندوبار و غیرمسئول رژیم او را آشکار ساخت هیچکس حق ندارد منافع دریا نوردی در آبهای بین المللی را هواپیماهای درآسمان آزاد کرده. هیچکس حق ندارد به ملتی که حق دریانوردی خود را اعمال می کند تیراندازی کند. ایالات متحده مشغول عملیات دریائی مسالمت آمیز و قانونی بود. لیبیائیها به پرتاب موشک ها می بردند که ممکن بود خسارت و تلفات سنگینی به نیروهای آمریکا کشی وارد آورد. ما هم به دفاع مشروع و محدودی پرداختیم. اگر بی بانه به این نوسه عملیات خصمانه علیه لیبی می گشتیم مسلماً چنین بهانه ای دشمنان آمده بود. ولی ما با رفتار خود ما ثابت کردیم که چنین منطقی نداشتیم. ما در مقام نیروی دریائی فراگیرنده نوعی مسئولیت در حفظ حق آزادی دریانوردی نه تنها برای خودمان بلکه برای کشورهای دیگر نیز داریم. از این حق نه تنها در خلیج سیرت بلکه در تنگه هرمز و سایر نقاط دریائی دیگر هم که مورد تهدید واقع و یا اینکه ترق شود دفاع می کنیم.

استدلال زبیر و دفاع ایالات متحده تلاشی است برای رفع هرگونه سوء تفاهم. باین معنی برخلاف آنچه که عده ای تصور می کنند منظور از اجرای ما در دریای خلیج سیرت این نبود که قذافی را تحریک و او را در عملیات جنگی علیه ناوگان آمریکا کشی کنند تا مستمسکی برای کوبیدن او و برافکندن رژیمش بدست آید. هدف احقاق حق بود که قذافی با دعای گراف و سفیخ خود میخواست از ایالات متحده و کشورهای دریا کشی دیگر سلب کند. بدین ترتیب نیمکاهای زیرکانه وجود داشت. اما مطلب به این سادگی نیست. ریشه ای به مراتب عمیق تر دارد. حقیقت امر اینست که نقشه ما در دریای خلیج سیرت از مدتی پیش بدقت توسط سیرت وزارت امور خارجه و دفاع آمریکا تهیه شده بود و در ملاقات زبیر و رئیس رژیم سرتا در میانه راه به تصویب نهائی رسید. آنچه رئیس جمهوری آمریکا را آزار می دهد نقش اساسی است که قذافی در تروریسم بین المللی ایفا می کند. مبارزه به

## امریکا پیشنهاد لیبی را رد کرد

احتمالی مانند اسرائیل، یونان، مالت، ایتالیا و مراکش آگاهی داده است که هیچ رغبت و علاقه لیبی به گفت و گوی مستقیم یا غیرمستقیم با سرنگ قذافی ندارد. واشنگتن، قذافی را بارها به پشتیبانی از تروریسم بین المللی متهم ساخته است. از سوی دیگر، خبرگزاری فرانسه گزارش داد که کاخ سفید، هرگونه مذاکره لیبی را که لیبی بخواهد به مناسبت با زبیر جرج بوش از ریاض، به وساطت عربستان سعودی یا آمریکا انجام دهد رد می کند. "لری اسپیکس"، سخنگوی کاخ سفید دیروز گفت اگر رژیم قذافی میل دارد در منحن بین المللی به رژیم قذافی قبول تبدیل شود، باید به سیاست ها و کردارهای نامعقول خود پایان دهد و نشان دهد که حاضر است که عووجهای نامتمدن شود.

وی افزود تریبولی به چندین تلاش آشتی خواهانه دست زده است، اما ما به این تلاش ها پاسخ نداده ایم. بر اساس سخنان لری اسپیکس، آمریکا حاضر نیست میانجی گری عربستان را میان واشنگتن و تریبولی بپذیرد. واشنگتن بست - سوم آوریل ۱۹۸۶

واشنگتن بست گزارش داد که آمریکا درخواست سرنگ قذافی را برای مذاکره با مقام های واشنگتن پس از برخورد های نظامی خلیج سیرت، رد کرده است. به گزارش واشنگتن بست، سرنگ قذافی در چارچوب تلاش برای مذاکره با آمریکا، دو مسئول بلند پایه لیبیائی را به عربستان سعودی گسیل داشت. این دو زن عبارت بودند از خوشبختی الحمیدی عضو شورای انقلاب و علی شریکی، وزیر امور خارجه پیشین لیبی. قذافی امیدوار بود که ملک نهیست، پادشاه عربستان سعودی، پیامی را از جانب وی به جرج بوش، معاون رئیس جمهوری آمریکا که قرار است شنبه از ریاض با زبیر به عمل آورد، تسلیم کند.

واشنگتن بست به نقل از مسئولان بلند پایه حکومت ریگان می نویسد: آمریکا قصد ندارد به زست های آشتی طلبانه قذافی پاسخ دهد. آن ها افزوده اند که آمریکا پس از وقوع سوء قصد های خونبار در فرودگاه های وین و رم نیز چندین بار توافق تریبولی را برای مذاکره رد کرده بود. همین منابع به واشنگتن بست گفته اند که آمریکا به میانجی های

تروریسم بین المللی در سیاست آمریکا روز بروز اهمیت بیشتری پیدا میکنند. لذا ما در دریای خلیج سیرت را باید بیشتر گوشمالی یک تروریست دانست. در نقشه ما در دریای خلیج سیرت، عملیات مسلحانه لیبی دقیقاً پیش بینی شده بود و امکان عملیات جنگی نامشروع علیه قذافی محاسبه و سنجی پرستاب موشک در بندرسیرت از قبیل هدف گیری شده بود.

ما در دریای خلیج سیرت از تحول روش سیاسی نشانه دیگری از تحول روش ایالات متحده می دانند. علت این تحول را با بددرا عقدا درونالد ریگان با اینکه ایالات متحده در حال حاضر برخلاف دوران کلرین رویه گرفته از لحاظ معنوی نظامی و اقتصادی از اتحاد شوروی به نحو محسوس پیشی گرفته است. جستجو کرد، ریگان از آغاز زما مداری خود اظهار می داشت که در برابر حریفان میدان در نمی رود و از رویا روشی باکی ندارد. با ضراست کمک لازم را به گمانیکه با ارتش شوروی جنگ با رژیم های طرفدار کربلایی مبارزه می کنند برساند. سخنان رئیس جمهوری ایالات متحده در سالهای اول خلیج سیرت و از بنده بود ولی در اقداماتش جانب احتیاط را رعایت می کرد زیرا در محافل دولتی ایالات متحده اعتقاد بر این بود که اتحاد شوروی از لحاظ نظامی برای ایالات متحده برتری دارد. ولی با گذشتن زمان مقامات مسئول آمریکا بی به این نتیجه رسیدند که تلاش فوق العاده ایالات متحده در راه نوسازی و تکمیل زرادخانه آن کشور موجب برتری نظامی آمریکا بر روسیه شوروی شده است. از این گذشته اتحاد شوروی گرفتار رکود اقتصادی شدید شده است و با تعهدات فراوانی که در گوشه و کنار دنیا برای خود قرا هم آورده است دست و پا برای خود را در چنا گذشته است. این دونگه یعنی برتری نظامی آمریکا و گرفتاریهای سنگین اتحاد شوروی اساس پیام سال نو ریگان را تشکیل داد. حال عقیده مقامات آمریکا برای پیشبرد مسکود موضوع دفاعی قرار گرفته است و واشنگتن میتواند بدون ریسک یا خطرات احتمالی زیاد بقول معروف با روی دم حریف بگذارد و دولت های دست نشانده آنرا علناً به مبارزه نظامی بطلبد.

این مبارزه طلبی خامه در مورد قذافی بهیچ وجه نمیتواند موجب انصراف نامبرده از شیفتت و مقصدها شود. بهیچ وجه، چنانچه افزون هم خواهد شد. این نکته بر مقامات آمریکا شایه پوشیده نیست. از این گذشته واشنگتن امیدوار هرگونه سازش با قذافی و اورنگ را از راه مذاکره از دست داده است. به این نتیجه قطعی رسیده است که با آن دونیا پد مذاکره کرد. پس فایده این اقدامات در مبارزه با تروریسم بهیچ وجه نیست؟ به این صورت و مستقماً هیچ، کلنجاری که ایالات متحده با لیبی و نیکارا گوشه می رود، در واقع پیامی است که به

این دو کشور می فرستد به این معنی که از این به بعد باید بدانند که ایالات متحده دست به اقدامات شدیدتری نیز خواهد زد. قصد ندارد آنها را راحت بگذارد. از این گذشته کشورهای دنیا لبرو و متکی به اتحاد شوروی اگر امید به کمک گرمی در روز مبارزانه بسته اند باید بفهمند که کجاست خوانده اند. اتحاد شوروی احتمالاً موشک های دیگری برای لیبی نصب خواهد کرد سلاح بیشتری هم برای نیکارا گوشه فرستاد و لیبی حاضر به درگیری نظامی مستقیم با آمریکا نخواهد بود. این دو کشور نخواهند. در محافل دولتی آمریکا اعتقاد بر این است که اتحاد شوروی بهیچ وجه نمی خواهد در امریکای مرکزی با ایالات متحده که این قسمت از جهان را حیاط خلوت خود می داند درگیری نظامی پیدا کند. بنا بر این واشنگتن دست به بالش در این منطقه خیلی با زتر از نقاط دیگر است، ولی در عین حال ایالات متحده در افست نشان در مورد کمک به جاده های دست به عمار راه می رود بطوریکه بعضی از ناظران امور سیاسی معتقدند که واشنگتن اقتان نشان را تا حدودی حیاط خلوت اتحاد شوروی میدانند. یکی از مقامات آمریکا گفته بود عکس العمل اتحاد شوروی بستگی دارد بجای که به همبسا رزه طلبیده میشود. یکی از محسوران سیاسی نزدیک به ریگان از قول او در هالند تریبولی نوشت:

"ریگان معتقد است که مسکود آماجی درگیری نظامی یا تهدید به آن را ندارد. ولی باید توجه داشت و بین معالجه فرعی و منافع حیاتی طرفی گذاشت. اشتباه در محاسبه ممکن است کار را به جاهای خیلی خطرناک و مالا نا بسودی همه چیز و همه کس بکشاند. در پایان این نوشته برسبیل اشاره به عکس العمل اقدام آمریکا علیه قذافی در محافل جهان عرب با بدگفت که جز برای سوریه و تا حدودی الجزایر کشور دیگر عربی پشتیبانی صریح و کاملاً از لیبی بعمل نیاید و اقدام آمریکا با لحن نسبتاً ملایمی در کنفرانس اتحادیه عرب تخطئه شد. کشورهای عربی معتقدند که با لیبی نه تنها دوست نیستند بلکه با آنها دشمن هم هستند برسبیل عربیت خود را ملزم به پشتیبانی میدانند ولی در عین حال رنجان ندن آمریکا را هم جز بزمی دانستند. آنچه آنها را از این وضع تا راحت بیرون آورد ادعای لیبی بر تمام خلیج سیرت بود. چنین ادعای مهمی آنها را از اتخاذ موضع علنی له قذافی معذور داشت. عکس العمل اتحاد شوروی هم آنطور که پیش بینی میشد از حدود تفرین تجاوز نکرد.

- ۱ - Bynkershoek
- ۲ - De Domino Maris
- ۳ - I-Gidel



# فرهنگ ایران

آشنایی با متون فارسی

## کلیله و دمنه اثر هنری و ادبی

### کتاب کشور داری،

### سیاست و حکمت

محمد جعفر محبوب

این بودجه کلمه، در نهایت اختصار در باره تاریخچه این کتاب جا ویدان و محبوبیت و شهرتی که به پامردی ایرانیان در جهان به دست آورده است، اما مقصود خود کتاب چیست؟ برای تحلیل تمام باب های کتاب باید کتابی جداگانه پرداخت و سرتو آن را نمی توان در نیمی از یک گفتار به پیمان آورده. ولی اگر بخواهیم به اختصار در خور یک مقاله کوتاه در باب آن سخن بگوییم، نخستین مطلب همان است که مذکور افتاد. کلیله و دمنه کتاب علوم سیاسی، قدیم ترین کتاب در این رشته است و موضوع آن راه و رسم کشور داری، روش و منش پادشاه در برابر زیردستان و وزیران و امیران، طرز رفتار فرمان روا با مردم و این گونه مسائل است.

گفتیم که کلیله دارای حدود ۲۰ باب است. طبیعی است که در هر یک از این ۲۰ باب از موضوعی جداگانه سخن می رود، و گرنه بخش کردن آن به بیست قسمت اصلاً صورتی نداشت. با آن که باب های مقدمه ای کلیله بیشتر به بیان تاریخچه کتاب و شرح آوردن آن از هند به ایران اختصاص یافته، با زهمان ها نیز از مطالب و منافع سیاسی خالی نیست، اما متن اصلی کتاب، از همان باب معروف شیر و گاو - باب الاسرار و لشور - آغاز می شود و در آن باب داستان دوستی دوتن - پادشاه و وزیر - شیر و گاو، است که بر اثر سخن چینی و فتنه انگیزی یکی از نزدیکان پادشاه، شغالی حریص و جاه طلب به نام دمنه ( در ادب هندی تمام جا نورا نیز دارای شخصیت فرضی می شوند و هر یک مانند آدمیان برای خود نامی دارند) بنای دوستی این دوخلل می پذیرد و در این میان خون گاو به ناحق و بی گناه ریخته می شود پس از آن دیگر پشیمان شاه (شیر) سدی ندارد. در اصل هندی کلیله این باب در همین جا پایان می یابد و در باب بعد موضوعی دیگر مطرح می شود. اما ایرانیان پس از ترجمه کتاب بابی جداگانه پس از باب شیر و گاو آورده اند که در آن دمنه به سزای خیانت خویش می رسد و دروغ گویی و سخن چینی وی فاش می شود. شیر به محاکمه او قربان می دهد. دمنه نیز از میدان دور است که با چرب زبانی و زبان آوری خود از دام مرگ برهانند. اما دلایل برهنگی و روشی است که سزای در دادگاه به خیانت دمنه شهادت می دهد و او به سزای خود می رسد. باب های دیگر نیز موضوع های از همین دست دارد.

روش داستان سرایی این کتاب شیوه طرح داستان در داستان است و آن روشی است که اصلاً هندی است. بر طبق این روش نویسنده نخست داستانی را طرح میکند. قهرمانان داستان با یکدیگر به گفتگو می پردازند. در ضمن بحث یکی از دو طرف گفتگو - مثلاً - طرف را از پیشنهادی که کرده است بر خرد می دارد و دیگری می گوید اگر چنین کنی بر تو همان رسد که به فلان مار، یا فلان ماهی خوار رسید. مخاطب می پرسد چگونه بوده است آن حکایت؟

آن گاه سخن گو حکایت را نقل می کند و از آن نتیجه می گیرد و سپس باقی حکایت نخست ادامه می یابد. گاهی در طی یک داستان - یک باب - ده ها حکایت آغاز می شود و پایان می یابد و یا بدویان باب، با بیان حکایت نخست است. گاه نیز داستان ها، مانند بوته های پیاز، یکی در درون دیگری طرح می شوند و این روش تا طرح ۵ داستان در دل یکدیگر ادامه می یابد. سپس نخست آخرین داستان تمام می شود پس از آن داستان ماقبل آخر و بر همین قیاس تا پایان گفتگو که با بیان نخستین داستان است.

بعضی داستان های کلیله و دمنه به وضعی شگفت انگیز با داستان های حماسه ملی ایران نگاه با سرگذشت های تاریخی شباهت دارد. مثلاً "توجه" فتنه انگیزی و سخن چینی دمنه در برابر شیر، به قصد کشتن گاو که وزیر مشفق و ناصح اوست بسیار همانند است که قصد سخن چینی گریسوز برادر فراسیاب نزد وی به قصد نابود کردن سیاوش شاهزاده ایرانی. نیز بابی دیگر از کلیله و دمنه - باب بوف و زاغ، باب البوم و الغریبان - داستان وزیر و است که به پادشاه

را از عربی به فارسی ترجمه کردند و امروز از میان آن ترجمه ها فقط دو اثر باقی است: یکی همان کلیله و دمنه نصرالله منشی معروف به کلیله بهرام شاهی (چون بهامرو به نام بهرام شاه غزنوی ترجمه شد) و دیگری نسخه ای که اکنون یکی دوسالی است به وسیله استادگران مایه دکتر پرویز نایب خالصری یافته شده و به تصحیح و توضیح ایشان زیر عنوان داستان های بیدای انتشار یافته است. این نسخه نیز در همان سال های ترجمه کلیله و دمنه در شهر موصل به فارسی برگردانده شده و ظاهراً مترجم از کار نصرالله منشی بی خبر بوده است. نسخه ترجمه داستان های بیدای سده تراژیک کلیله و دمنه است.

دو سه قرن پس از رواج یافتن کلیله و دمنه، بر اثر هجوم مغول و یورش های متوالی تیمور فرهنگ ایران روبه انحطاط رفت و خرده ها سستی گرفت و سوادها نقصان یافت و کلیله در نظر خوانندگان بسیار رهشوار آمد. از این روی یکی از نویسندگان و واعظان قرن نهم موسوم به مولانا حسین واعظ کاشفی، به منظور سادگی کردن کلیله و دمنه تجزیه ای تازه از آن انتشار داد و آن را "انوار سهیلی" نام نهاد. انوار سهیلی فقط تجزیه ای تازه و ساده از کلیله و دمنه است. نیست بلکه مؤلف دخل و تصرف های بسیار در آن روا داشته است. اهمیت این تحریر تازه، حسین واعظ آن است که نخست بار کلیله و دمنه از راه ترجمه این کتاب به اروپا شناخته معرفی شد. انوار سهیلی اندک مدتی پس از انتشار تحت عنوان "هما یون تا ماز فارسی - به ترکی عثمانی ترجمه شد و لویی جان عثمانی نسخه ای از هما یون تا ماز را به هدیه نزد لویی چهاردهم پادشاه فرانسه فرستاد. پادشاه بفرمود تا آن را به فرانسوی ترجمه کردند و از این راه تمام ملت های اروپا شی از وجود این کتاب آگاه شدند. شاعر معروف فرانسوی ژان دولفونتن بسیاری از قصه های این کتاب را اقتباس کرد و به نظم فرانسوی آورد و بدین ترتیب وی نیز عالمی بزرگ در راه شهرت و اعتبار روشنا ساندن این کتاب به جهان شایان گردید.

قرن ها به طول انجامید تا اروپا شایان نسخه عربی این مفعول را برای نخستین بار در پاریس به سال ۱۸۱۶ میلادی چاپ کردند. پس از آن به جستجوی اصل هندی کتاب برآمدند و آن را نیز یافتند و به زبان های اروپایی برگردانند و بدین ترتیب کتابی که بخش هندی آن سه هزار سال پیش نوشته شده و هدف آن آموختن آیین ملک داری و آداب معذلت به شاهزادگان هندی در زبان افسانه بوده تا امروز دوام و شهرت و اعتبار خود را در سراسر جهان نگاه داشته و هرگز مردم گیتی آن را از دست فرو نگذاشته اند و امروز نیز به عنوان قدیم ترین کتاب علوم سیاسی که در دنیا نوشته شده شناخته می شود، خوش بختانه، عامل اصلی در معرفی این کتاب، چه از راه متن عربی، و چه از راه تحریر فارسی انوار سهیلی، ایرانیان بوده اند.

کلیله و دمنه و انوار سهیلی بارها و بارها در ایران و هند به نظم آمد و تحریر های گوناگون به نثر از آن صورت گرفت تا بدان جا که نویسنده این سطور تاکنون به ۲۲ تحریر و نظم گوناگون از آن آشنایی یافته است و هنوز هم جای یک تحریر دقیق از کلیله و دمنه به زبان فارسی ساده، امروزی و همه کس فهم در ایران خالی است!

امروز از هزار ایرانی با سواد، و حتی کم سواد بی سواد، نخستین کتاب نثر پارسی از نظر شهرت و محبوبیت کدام است؟ بی درنگ خواهد گفت گلستان سعدی - این قولی است که جمله ای برآوردند. اما شیخ اجل سعدی گلستان را در نیمه قرن هفتم هجری، نوشته است. قبل از آن که سارهای چون گلستان سعدی در آسمان ادب فارسی طلوع کند، نخستین کتاب نثر فارسی از نظر شهرت و زیبایی لفظ و معنی بی شک کلیله و دمنه بوده است. کلیله و دمنه از روزی که از عربی به فارسی ترجمه شد (میان سال های ۵۲۹ تا ۵۲۱) تا روزی که گلستان نوشته شده بود، از هر لحاظ به عنوان کتاب درجه اول نثر فارسی شناخته می شد و پس از پدید آمدن گلستان در مرتبه بعد از آن قرار گرفت و تا امروز نیز این مقام را حفظ کرده است. این کتاب نه تنها از نظر مطالب و معانی مندرج در آن بسیار جالب توجه است، بلکه سرگذشتی بسیار رشیدگی و جذاب، و داستانی دل پذیر دارد.

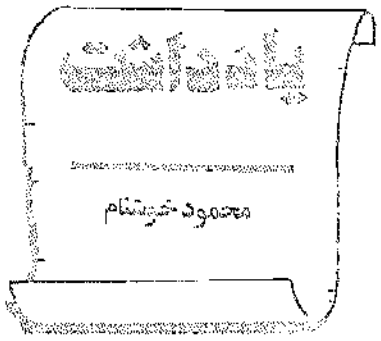
ممکن است بسیاری از جوانان عزیز ما نظر خوشی به این کتاب نداشته باشند، اما در این رابطه کوچک ترین تقصیری متوجه ایشان نیست. کوتاه می از مصلحتان ادب فارسی و تنظیم کنندگان برنامه درس زبان و ادب است. مصلحتان، دبیران ادب فارسی در دبیرستان ها دشوارترین عبارت های این کتاب را برمیگزینند و از روی آن به دانش آموزان دیکته می کنند. متن های برگزیده از کلیله نیز همواره از قسمت های برگزیده شده که برای آیت قرآنی، احادیث، ضرب المثل ها و شعرهای عربی و شعرهای دشوار فارسی بود، و دانش آموزان وقت در پیچ و خم عبارات های مصنوع و مشکل، و فهم واژه ها و ترکیب های دور از ذهن سرگردان می شوند و تنها بهره ای که لازم بود از این کتاب نمی برد، بلکه از این طرز آموزش چندان زده می شد که از شنیدن نام کلیله و دمنه نیز وحشت می کرد. در این گفتار خواهیم کوشید آنها را با این اثر ارزشمند آشتی دهیم و نخست چند کلمه از تاریخچه آن بگوئیم.

کتابی به نام کلیله و دمنه نخست بار در دوران پادشاهی انوشیروان ساسانی به زبان پهلوی در ایران پدید آمد. با این حال اصل آن یک سره ایرانی نیست. کلیله فعلی بر حسب نسخه های گوناگون کم و بیش دارای بیست باب است که ده باب آن اصل هندی دارد و ده باب دیگر را ایرانیان پس از آن افزوده اند. نام کلیله و دمنه را - که اسم دوشنالی از بازیگران یکی از باب های این کتاب است - ایرانیان بر آن نهاده اند. در کلیله نوشته شده است که انوشیروان شنید که در خزائن پادشاهان هند کتابی است که گان خرد و گنجینه حکمت است و چون می دانست هندوان درواگذاشتن میراث ها و آثار فرهنگی خود به دیگر مردم چندان گشاده دست نیستند، برزویه طبیب - مقدم پزشکان پارس - را به هندوستان فرستاد که این کتاب را به ایران بیاورد. برزویه به هند رفت و مدتی در آن جا ماند و سرانجام با هندی که گنجور کتابخانه پادشاهی بود طرح دوستی ریخت و زربسیا خرچ کرد و سرانجام دوست هندی خود را راضی کرد تا کتاب را به امانت بدو دهد. هندی نسخه ای از آن برداشت (با همان جابه پهلوی ترجمه کرد) و پس از تحمیل رنج های فراوان آن را به ایران آورد. حقیقت این است که پنج باب کلیله از یک کتاب سنگریز به نام "پنج باب" یا "پنج کتاب" گرفته شده، سه باب دیگر آن را از اثر معروف حماسی هند، مهابهارت اقتباس کرده اند و منشاء هندی دو باب دیگر معلوم نیست. پس از آمدن کتاب به ایران، ایرانیان چند باب به آغاز، یکی دو باب به پایان و چند باب دیگر در میان کتاب افزودند. پس از زوال ملک ساسانیان و هجوم اعراب، یکی از مترجمان جوان و بسیار گران قدر ایرانی، روزبه - پسر دادبه یارسی که نام مسلمانی او عبدالله بن مفع بود کلیله را از پهلوی به عربی ترجمه کرد. ترجمه ابن مفع تا امروز پس از قرآن کریم اولی و محبوب ترین کتاب نثر عربی است.

کلیله و دمنه تاکنون به ۹۲ زبان ترجمه شده و منشاء بسیاری از این ترجمه ها همان متن عربی ابن مفع است. در دوران سامانی توجه به فرهنگ و ادب فارسی فزونی گرفت. وی یکی از نخستین کتاب های کلامی ایران سامانی به ترجمه و نظم آن همگام گماشتند کلیله و دمنه بود. ابوالفضل بلعمی وزیر معروف سامانیان این کتاب را از عربی به فارسی ترجمه کرد و رودکی نخستین استاد بزرگ، و در حقیقت بنیان گذار رویدر شعر فارسی آن را به نظم آورد. منشاء سفینه کلیله منظوم رودکی با آن که شهرت فراوان یافت در نتیجه جنگ ها و قتل و غارت های پیاپی از میان رفت و امروز جز حدود یک صد بیت پراکنده که به عنوان شاهد لغت های گوناگون در فرهنگ ها باقی مانده، چیزی از آن در دست نیست. پس از نظم رودکی چند باب دیگر، مترجمان گوناگون این کتاب

بقیه در صفحه ۷





# تفسیری بر "میران" امام!

بهشت می رسند ، بخندید در کنار  
دریای خون و سفر این " راهبان  
بهشت " را جشن بگیرید ! تازه خود شما  
هم ، هر کس که هستید ، کارگر ، کشا ورز ،  
دانشجو ، دانشگای ، کارمند و حتی شما  
" خواهان " هم حال دیگر وقتش رسیده  
است که ، بار " سفر " را ببینید ، همه  
شما هم با بدیه بهشت بروید . چه بوری  
اسلامی هیچ تبعیضی برای هیچ کس  
قابل نمی شود . مگر خون آن ها که به  
بهشت رفته اند از خون شما رنگین تر  
بوده است ! شما هم با بدیه این موهبت  
و اصل شوید ، من دیگر احتیاط ندارم ،  
دیگر " تقیه " نمی کنم ، صد ام و  
ریگان و میبارک و تاه حسین اردنسی  
همه اش بجانم است . غرض اصلی آن  
است که همه " شما به " لقاء اللبیب  
بپیوندید . همه شما به بهشت عنبر  
سرتش بروید ، آنوقت شما بیست و  
عزیزان ، برای خانه و کارخانه ها ،  
برای ده و شهر و کشورتان عزای می گیرید  
که چه بشود ؟ عزیزان ، همه در انتظار  
شما هستند . غرقه های بهشت ، باغها و  
چشمه ها و میوه ها وزن ها و مردمان بهشت  
همه در انتظار شما هستند . دیگر چه  
می خواهید ؟ اگر می بینید که من و  
طلبه های دیگر اول بیت ما نه هوای  
بهشت را نداریم ، برای آنست که  
جای شما را تنگ نکنیم ، کدام رهبر یا  
امام را سراغ دارید که خود را به خاطر  
امتن ، از نعمات و مواهب بهشتی  
محروم کند .

الغرض بشتا بید ، که غفلت موجب  
پشیمانی می شود ، اگر هم شما ، بخاطر  
آنکه هنوز صغیر و " محجور " هستید ،  
قدر این سترایی را ندانید ، وظیفه  
" شرعی و الهی " شماست که به دست  
داروغه های خود پس گردنتان را  
بگیرید و کتان کلان به دم دروازه بهشت  
برسانند . وظیفه الهی من شوخی برادر  
نیست !

شما اگر تا بحال فکرمی کردید که از جنگ  
جزدرد و تباهی و بیدبختی حاصل نمی شود ،  
و مردم ، در هر زمان و در هر کجای این  
جهان پهناور ، از دست دادن عزیزان و  
ویران شدن خانه و کارخانه و شهر و  
کشورشان رابه سوگ و عزای می نشینند ،  
بدا شد که در اشتباه بوده اید . خلیفه  
ولی فقیه ، امام امت و رهبری نظیر  
مستضعفان جهان را ، فتوای دیگری  
است ا خلیفه " بلاد اسلام " را رای بی  
آن است که " جنگ موهبتی الهی است ،  
" جنگ نعمت و برکت است . با جنگ ،  
بندگان خدا به حرکت در می آیند و بدون  
جنگ " فشل " می مانند ! در جنگ  
اگر نصرت پیدا کنیم که فیها الطراد ،  
چوب بسیرق اسلام را در " بلاد کفر " -  
فرو کرده ایم . اگر هم شکست بخوریم ،  
" خوفی " نداریم و به اهداف عالی  
شرعی و الهی خود می رسیم . " میزان  
جنگ است . " زهر طرفه که شود کشته ،  
ما خسار نمی کنیم ، بلکه خیالی هم  
به نفع ماست و ما بر مسند خلافت می مانیم و  
به وظایف خود همچنان عمل می کنیم .  
خلیفه " بزرگوار " عزا گرفتن و گریستن  
برای عزیزان از دست رفته را نیز " مکروه  
و حتی " حرام " می داند .  
- گریه و عزای و تسلیت برای چه ؟ همه  
این جوانان برومند با کلبه ای که به  
گردن دارند و شهادت نامه ای که به  
سینه شان سنجاق شده است ، یگانه است به  
بهشت می روند . رفتن به بهشت که دیگر  
گریه ندارد ، عزا و تسلیت نمی خواهد .  
با بدیدید و زعنا بیات با ریتعالی  
که به وساطت ما به آن ها ابلاغ شده است  
شاکر بود . باید کنار این دریای خون  
جشن گرفت ، باید به یکدیگر تبریک و  
تهنیت گفت ، این یک " عروج خونین  
عاشقانه " است ، این محشورشیدن  
با همه اولیاء و انبیاء است ، این  
پیوستن به لقاء الله است . گریه و  
عزا به معنای داره ؟ این راهبان  
کرپلا ، اگر هم به کرپلا نرسند ، سریع تر  
از هر طیاره ای که فکرش را بکنید بیه



من اینجا نشسته ام که شما راهباید و  
ارشاد کنم ، نه آنکه از گریه و شیون  
و قال و مقاتلان ، خوف پیدا کنم و از  
اجرای فرامین خود صرف نظر کنم . از همان  
اول هم ، اگر با دتان باشد ، بنده  
گفتم " همه با هم " و حال هم می گویم  
" همه با هم " دیگر مردوزن و گسودک  
و شیرخواران را ، من این " عزوات " -  
را آنقدر ادا می دهم و آنقدر توسل  
می دهم تا همه تان فرصت پیدا کنید  
شهید شوید و هیچ تنابنده ای دیگر از  
این نعمت و موهبت الهی که من واسطه  
بشارت آن هستم بی بهره نمانند ،  
درس و مشق و کتاب و کار و عشق و زندگی ،  
همه اش حرف مفت است . این همه  
وسیله است ، این ها مال دنیای خاکس  
است ، هدف اصلی از خلقت آدم ، پیوستن  
به لقای الهی است . پس باید همه با هم ،  
بدون استثنا ، برویم به طبرق  
این هدف اصلی ، دیگر چون و چرا هم  
ندارد . گریه و تسلیت و شیون و عزای هم  
" حرام " است . نه یک کلمه کمتر ،  
نه یک کلمه بیشتر . . . همه با هم . . . !

## تقیه

طبق گزارش خبرگزاری فرانسه ، سقوط  
سریع قیمت نفت ، شمار فزاینده ای از  
کارشناسان اقتصادی و مسئولان دولتی  
آمریکا را نگران ساخته است .  
متخصصان نفتی آمریکا معتقدند که تثبیت  
بهای نفت با حداقل در حواله و حوش  
بشکهای ۱۵ دلار باشد ، وگرنه مشکلات  
سیاسی جدی رخ خواهد داد که بیا مدان برای  
بانک ها و شرکت های نفتی دریا لیت های  
نفت خیزی نظیر تکزاس و آلاسکا و خیم  
خواهد بود .  
به نوشته خبرگزاری فرانسه ، علائم  
یک فاجعه آزمون اکنون بروز کرده است .  
یک شرکت بزرگ نفتی آمریکا ، به نام  
فیلیپس پترولیوم دیروزا اعلام کرد  
که ناچار است از تاریخ اول ژوئیه  
آینده بین ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ تن از  
کارکنان خود را اخراج کند ، زیرا سقوط  
بهای نفت باعث شده است که این شرکت  
نتواند از عهده تا ۵۰۰ میلیون حقوق کارکنان  
خود که در حال حاضر شمار آن ها ۲۶/۷۰۰  
تن است ، برآید . به گفته مقامات  
فیلیپس پترولیوم ، اخراج این  
۲۰۰۰ یا ۲۵۰۰ نفر ، منجر به  
صرفه جویی حدود دوست میلیون دلار در  
سال خواهد شد .  
خبرگزاری فرانسه خاطر نشان می سازد  
که چنانچه روند سقوط قیمت نفت  
کماکان ادامه یابد ، ده ها هزار  
تن از کارگران ، تکنیسین ها و مهندسان  
صنایع نفتی دریا لیت نفت خیز آمریکا  
از کار ریکا رخواهند گشت .  
در حالیکه بازار نفت بیش از هر زمان  
اشباع گردیده ، و خطرات دامنه سقوط قیمت  
نفت مما لک و شرکت های بزرگ نفتی را  
تهدید می کند ، خبرگزاری فرانسه به  
تقل از محافل آگاه اعلام کرده است که  
اتحاد جماهیر شوروی قصد دارد تا در  
نفت خود را به بازارهای اروپا و  
آمریکا از سر بگیرد . این خبر اگر چه  
از سوی پارهای محافل تکذیب گردیده ،  
اما از سوی منابع معتبری نظیر مؤسسه  
" سولومون برادرز " تأیید شده  
است . به گفته یک منبع آگاه قراردادی  
از هم اکنون میان اتحاد جماهیر شوروی  
و ایتالیا به امضاء رسیده که از  
جزئیات آن اطلاع دقیقی در دست نیست .  
لازم به یاد آوریم که اتحاد جماهیر  
شوروی ، بزرگترین تولیدکننده نفت  
در جهان بشمار می رود .

دانستم که شب های ماهتابی پیش دیوارهای تو نگران  
با یستادمی ( = می ایستادم ) و هفت بار برگفتم  
شولم شولم ، و دست در روشتای مهتاب زدمی ، و به یک  
حرکت به ام رسیدمی ، و سرسروزن با یستادمی و  
هفت بار برگفتمی شولم شولم ، و از روزن فرود آمدمی  
بی رنجی ، و در میان خانه با یستادمی و هفت بار  
دیگر برگفتمی ، و همه نقود ( = پول های نقد ) خانه  
بیش چشم من ظاهر آمدی ، به قدر طقت سرداشتمی و  
هفت بار دیگر برگفتمی ، و بر مهتاب از روزن برآمدمی  
( = بالادی آمدم ) . به برکت این آفسون ، نه کسی مرا  
بتوانستی دید و نه از من بدگمانی صورت بستنی . به  
تدریج این همه مال که می بینی به دست آمد . اما  
زنیار تا این لفظ را به کسی نیا موزی که از آن خلل ها  
زاید ؟  
دردان به نشوندن آن ماجرا و به آموختن آفسون شاد  
شدند و ساعتی توقف نمودند . چون ظن افتاد که اهل  
خانه را خواب بود ، مقدم دزدان هفت بار برگفتم  
شولم شولم ، و پای در روزن کردن همان بود و بر کردن  
افتادن همان ! خداوند خانه برجست و چوب برگرفت  
و شانه های بگرفت و می گفت : عمر عزیز به زیبان  
آوردم ، و مال به دست کردم تا تو کا فردل بهشت واره  
ببیندی و بیبری ؟ آخرتگویی که تو کیستی ؟ دزد گفت :  
من آن غافل نادانم که دم گرم تو مرا بر باد سرد  
نشاند . . .  
اگر هنوز هم این متن را دشوار می بایدید و دلیل  
است ، یکی آن که طرز جمله بندی آن اندکی بسا  
جمله سازی امروزی تفاوت دارد . دوم این که به یاد  
داشته باشید که این مطلب ۹۰۰ سال پیش نوشته شده و  
در این روزگار دراز زبان فارسی دگرگونی های  
بسیار یافته است و امروز به زحمت می آرد که برای  
بپره برداری از گنجینه ای چنین گران بها اندکی  
به خود زحمت دهیم و با زبان آن روزی نارسا آشنا  
شویم .  
در اصطلاح ادب ، نشکر کلیله و دمنه را نشرفنی نامند و  
آن نشرفی است کمی دشوار تر از نشکر ساده و بسیمار  
آسان تر از نشرفمنوع . کلیله تا هکار نشرفنی است و  
همه گمانی که بدین راه رفته اند این کتاب را سر مشق  
خود داشته و هیچ یک در استحکام و زیبایی نشرف به  
پایه آن نرسیده اند .

اهمیت کلیله و دمنه تا بدان پایه بوده است که فردوسی  
در شاهنامه در شرح پادشاهی اشوشر و ان فطلسی  
میسوط دریا بدانتان کلیله و آوردن آن از هند و  
ترجمه شدن آن به پهلوی و عربی و فارسی و نظم آن  
به وسیله رودکی می آورد . هم فردوسی گوید که  
وقتی به خسرو پروزیز گفتند بهرام چوبین کلیله و دمنه  
می خوانند ، وی شکست خود را قطفی شمرد .  
نیز ما مون خلیفه عباسی به دست و به طبعه خود  
خلاصه ای از کلیله و دمنه فراهم آورده و آن را کتاب  
بالینی خویش ساخته بود و لحظه ای آن را از خسرویش  
جدا نمی کرد ، از این تلخیص ما مون هنوز یکی دونه  
خطی برجای مانده است .  
و اسپین سخن در باره کلیله و دمنه آن که انشای اسپین  
کتاب ، از نظر سادگی بردو گونه است :  
۱ - هر جا که نویسنده مجال صنعت گری و آرایش کلام  
می یافته سخن را می آراسته و از آوردن سجع های  
گونگون و صنایع لفظی دریغ نمی کرده ، اما در این کار  
نیز جانب اعتدال را به رعایت می رسانیده و زیاده روی  
نمی کرده است .  
۲ - به مجرد آن که قلم نویسنده به سوی شرح ساده  
و بیان حکایت پیش می رفته ، شرا و نیز به سادگی  
می گراییده است . برای نمونه حکایتی کوتاه از این  
گونه است :  
" گویند شبی دزدی به خانه توانگری با یاران خود  
دزدی رفت . خداوند خانه به حرکت ایشان بیدار گشت ،  
دانست که بر یام دزدانند . زن را آهسته بیدار کرد و  
معلوم گردانید که حال چیست ، و فرمود که من خود  
را خفته سازم ( = خود را به خواب می زخم ) ، تو ، چنان  
که آواز تو را بشنوی ، با من در سخن آی ، و پس از من  
بپرس ، بدال حاجی ( = اموری ) ، تمام ، که گشای  
چندین مال از کجا به دست آوردی ؟ و هر چند دفع بیشتر  
کنم تو محال است بیشتر کن .  
زن فرمان برداری نمود و بر این . . . ترین پرسیدن  
گرفت . مرد گفت از این سؤال اندر گذر . اگر  
راستی حال با تو بگویم کسی بشنود مردمان را بیدار  
آورد . مرد گفت تو را از این سؤال چه مقصود است . . . ؟  
گفت می خواهم تورا بدانم . گفت : این مال از دزدی  
جمع شده است ، که در آن کار استادم و واقفونی

کلیله و دمنه ، اثری فلسفی و تاریخی  
کتاب کشور داری ،  
سیاست و حکمت  
پنجمین آذر ماه

خود می گوید او را سخت بیا زارد و پیرها پیش را بکنند و  
زخمی کنند و در راه ببیند از . آن گاه وی بدین حالت  
نزد شاه دشمن می رود و خود را مشیرونا صج او جلوسه  
می دهد و چنین فرامی نماید که قصد انتقام جویی از  
ولی نعمت و کار فرمای پیشین خود را در دیدن حیل  
حریفان را به دام هلاک رهنمون می شود . در داستان  
فتح سومنات به دست محمود غزنوی نیز می خوانیم که  
هندویی به عنوان راه نمایی ، او لشکرش را بیه  
بیا پانی بی آب و علف کشید ، از این عنصر ، در  
بسیاری از داستان های عواما نه نیز بهره گرفته شده  
است .  
داستان های دیگری از کلیله نیز در افواه عوام افتاده  
و صورت مثل سایر به خود گرفته است : داستان  
مار پیری که خود را مرکب سواری امیر عوکان کرد ،  
داستان یوزبینه و نجار که منشأ مثل معروف " مار  
که پیرشد تورباغه سواری می شود " یوزبینه را به  
دروگری چه کار ؟ است . نیز قصه گریه زاهد و  
کینتجیر ( پرنده ای است ) که بعضی گویند بیست  
معروف حافظ در باره نماز کردن گریه عابد از  
آن سرچشمه می گیرد ، داستان سنگ پشت فضول و  
سرخ بیانی که او را در هوا می بردند و بسیاری داستانهای  
دیگر هنوز بزبان مردم جاری است . بعضی قصه های  
دیگر کلیله - مانند قصه سه ماهی ، یکی عاقل و  
یکی نیمه عاقل و یکی نادان - منبع الهام مولانا  
در مثنوی واقع شده است .

# نامه‌ها و نوشته‌ها



چاپ تمام با قسمتی از نامه‌های خوانندگان عزیز فقط برای بازتابیدن نظرات و عقاید و برداشت‌های شخصی نویسندگان نامه‌هاست. یا در صورتی که طبع و نشر نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان لزوماً به معنای موافقت و هم‌راستی ارگان مرکزی نیست. مقایسه‌ای با مفاهمه‌ها، این نامه‌ها نیست. این صفحات در حقیقت بازتاباننده نظرات و عقاید خوانندگان و به‌عنوان تریبون آزاد است.

## چشمی‌گریان، چشمی‌خندان

گروهی از ایرانیان مقیم سوئد، با اجرای مراسم چهارشنبه سوری در یک بارکینگ و گرامی‌داشت نوروز، توجه مطبوعات محلی را به‌دلیل تنگنای خود نسبت به آیین‌های ملی جلب کردند.

آقای پرویز مینویی، با ارسال فتوکپی روزنامه "داک بلاده" - شماره مورخ ۱۹ مارس - که در آن عکس چندین ایرانی در حال برش آرشه‌های آتش چاپ شده است، می‌نویسد:

"ما چهارشنبه سوری و حلول سال ۱۳۶۵ را جشن گرفتیم. در یک بارکینگ آتش افروختیم و به‌همراه چند گداها - شریک و گروهی میهمانان از کشورهای عربی چهارشنبه سوری برپا کردیم. اهالی محل که ظاهراً نگران آتش - افروزی شده بودند، به پلیس محل تلفن کردند و پلیس نیز به‌روزنامه‌ها خبر داد. روزنامه‌نگاران و افراد پلیس وقت می‌رسیدند و فهمیدند ما یکی از مراسم مان را برپا کرده‌ایم، با ما همراهی کردند و از آتش‌پری‌ها و نقل و شریک‌ها را پذیرفتند.

این مراسم تا تحویل سال ادامه یافت، وقتی ساعت ۱۱ و ۲۰ دقیقه ۶۶ ثانیه از پشت بلندگوا گاز سال نوا اعلام شد، در میان غریبانی، چند نام ایرانی بیاید. ایران و ایران شده و قربانیان جنگ خمینی بی اختیار گریه‌سرا دادند که خانم‌های سوری و مراکشی و کردهای ترک نیز علی‌رغم خودداری با آن‌ها در ایران تیان همدلی کردند و چند زن سوئدی میهمان که برای دل‌سنداری، خانمهای ایرانی را در آغوش کشیده بودند، خود نیز گریه می‌کردند که سرانجام با پخت آتشکهای شاد و آواز ایرانی، توانستیم بار دیگر فضای شاد نوروز را در محفل زنده کنیم.

سوئد - پرویز مینویی

## سال نابودی ازدها

سلام مرا بپذیرید سال نورابه شما میهن پرستان تبریک عرض می‌کنم، وحدت و یگانگی ما از من پیروزی ما خواهد بود. با یه‌ملت‌های بزرگی چون آمریکا و شوروی و فرانسه و انگلیس را آگاه ساخت که جمهوری اسلامی چه نقشه شومی برای انجام ایران در سرپرورانداده است. یکایک ماکه دورا زوین هستیم هر لحظه پیش از لحظه قبل احساس می‌کنیم که خاک عزیز ایران مدیون هستیم و پیش از گذشته می‌خواهیم به‌وطن خدمت کنیم. من به‌عنوان یک معلم تمام ذرات وجودم اکنون آماده است که خدمت مجدد خود را در کلاسهای درس آغاز کنم و مجدداً قلب‌های پاک و چون آئینه نونهالان را که مالامال از حس میهن دوستی و صلح و برادری است تا آنجا که ممکن است هدایت نمایم و این وظیفه هر یک از معلمین است که زنگ و غبار ناشی از تلغین‌های شیطانی را از آئینه‌دل هر یک از فرزندان وطن بزاید. این نقیصه فرهنگ گذشته است که درس میهن پرستی را از درس دیستان و دبیرستان حذف نموده بودند و شاید هم عمداً درسی سال گذشته اثری از درس ایران و ایران‌پرستی در میان نبود. اگر در این ۳۰ سال این کار عمیق می‌گردید محال بود خمینی و امثال آنها بتوانند قدم نحس خود را به خاک ایران زمین بگذارند. (۰۰۰)

وجود واداه حکومت این برگ مفتیان در لباس مذهب خیا نته به شریعت و انسانیت است این شک باید شنیده و از بین برود. اینجا نباید اینک ۲۵ سال تمام به معلمی اشتغال داشتیم و

خدمت خود را در خدمت انجام داده‌ام چون نخواستم در فضای سمومی که شیاطین ایجاد کرده اند ادامه خدمت دهم به‌آچار و به‌اروخی خسته جلالی وطن نمودم، اما اکنون گوئی دوباره جوان شده‌ام، عشق به‌وطن نیروی آنچنان قوی در من ایجاد کرده که حاضر هستم کلاسهای مدفتری را اداره کرده تا جان دریدن دارم به فرهنگ ایران زمین خدمت نمایم. مطمئن هستم یکایک شما نیز همین احساس مرا دارید و صولاً هر فرد ایرانی چه در داخل و چه در خارج از وطن همین احساس را دارد.

همه‌جا صحبت از انقلاب ملت ایران در ۷ سال پیش است. این‌ها تبلیغات اجابت است. کدام انقلاب؟ ملت ایران نمی‌دانست حکومت اسلامی چیست؟ ملت ایران علیه استبداد و فساد برخاسته بود اما گروهی ضد ایرانی ملت ما را غافلگیر کردند مسائل روشن نبود تا اینکه ۷ سال گذشت و یکایک افراد ملت به‌هوش آمدند که عیب فریبی خوردند. تاریخ از این گونه حوادث فراوان دارد ولی همیشه ملت ایران پیروز شده است. امیدوارم سال جدید سال تابش و آرزوهای شما را یکبارگی ملت ایران

با احترام - معلمی دوازدهم

## افتخارات گذشته و نسل آینده

ما ایرانیان در حالی که خمینی و گروهی آخوند هفت سال است که برای حکومت می‌رانند، به‌مناسبت و بی‌مناسبت از تاریخ ۲۵۰۰ ساله و فرهنگ ایران سخن می‌گوئیم. در می‌تینگ‌ها و اجتماعاتی که در دانشمارک به‌هفت ایرانیان مخالف رژیم خمینی برپا می‌شود، ترجیح بند، همیشه یکی است: تاریخ درخشان و فرهنگ گدازدهای دیرپای ایرانی.

تاریخی نیست که ما ملتی صاحب تاریخ و فرهنگ هستیم. در این دنیای بزرگ، شما کشورهای که بر بستر فرهنگ‌های دیرپا زنده اند کم نیستند و چه بسا گروه‌های بسیاری در این کشورها هستند که به گذشته‌هایشان می‌بالند و در خارج از کشورشان، از تمدن بزرگ و بی‌استانی سرزمین‌شان سخن می‌گویند. اما سؤال من این است که آیا آن معدود دانشمندی‌هایی که نظریات ما را به زبان انگلیسی و فرانسه در یافت می‌دارند و در آن نشریات نیز همین ترجیح بند را به تکرار می‌بینند، از خود نمی‌پرسند: پس چرا ملتی ما حدیثین تاریخ و تمدن، هفت سال است خونخوارترین حاکمان دهه‌های اخیر دنیا را برمی‌تابد و در فروانداختن در مانده است؟

علاوه بر این، این غریبان، با ایمن کوی بلنده‌ها و افتخار گذشته که ما زیر گوشان می‌نوازیم، حق ندارد چشم‌در چشم با بدو زنده‌ها نشاید تلخ و اندوهناک استقبال از خمینی و تنها گذاشتن شاپور بختیار را به رخمان بکشند؟ مردمانی نجیب‌اند که نمی‌گویند: با چنین گنجینه‌ای از ادب و شعرو حکمت و تاریخ که پدرانمان به میراث گذاشته‌اند - پس چرا از این گروهی و ایسگرا و کسور دل و فدای ایرانی بر نمی‌آئید؟ ایمن افتخارات به‌شما چه ربطی دارد؟

باری، تمدن‌غریفی علیه تاریخ و فرهنگ ایران ندارم، اما غنودن بر بستر گذشته و افتخار به‌حاصل زحمات و بتکسار و اندیشه نیاکان چیزی نیست که امروز ما را در نبرد با رژیم استبداد دینی - پاری دهد و یا به‌تنهایی کار ساز باشد. تاریخ مدون داریم، ادب و حکمت داریم، اما ظاهراً آنچه که امروز

نداریم همت است. می‌گویم همت نداریم و این پراکندگی نیروهای ضد خمینی را نیز به حساب بی‌همتی می‌گذارم. می‌گویم همت نداریم، و عاقبت طلبی و سرخود گرفتن و سازخودزدن و "من بودن و گریز از" ما شدن را نیز بدون همتی میدانم...

چه بگویم از فرصت طلبی‌ها و تکی رویها و خنجر از پشت زدن‌ها که دل‌های تابناک عشاق ایران را شرحه شرحه خواهد کرد. دلم در این غربت چنان خون است که گاه وقت‌ها چون خوب تکریمی کنم می‌بینم همین آخوندها طی قرنها از آنچه که ما ادب و فرهنگ تاریخ ایران مینامیم، بسپار بیشترا ز همه گروه‌های دیگر اجتماع برای پیشبرد اهداف خود سوجدسته‌اند. اگر پیش از انقلاب، پای منابرو عیاض خورمی یا فستید، حتماً "بخاطر می‌آورید" که وعظ برای تحت‌تأثیر قرار دادن حاضران، از مولانا و حافظ و کاتب و نشاط و صفهانی تا ابن سینا و بیرونی و حتی فردوسی چه مقدار اشعار و قصه‌روایت نقل می‌کردند و این همه را به خدمت می‌گرفتند تا مردم را ساده دل را به شیوه خود مجذوب کنند و مجذوب می‌کردند.

باز هم گفتنی دارم - سینه‌مالا مال درد است، اما برای آنکه در از گویی نکنم، قلم بر زمین می‌گذارم.

دانشمارک - رضا پیرامون

## ناصر خسرو، شاعر مقاومت

روزنامه وزین قیام ایران

با درود و عرض تبریک نوروزی زاین که مرتباً این جریده پرمتنوی را برایم می‌فرستید سپاسگذارم. در شماره ۱۹ مسلسل ۱۴۴ مقاله آقای مهرآئین را مطالعه کردم. نسبتاً جالب بود. باید به عرض برسانم که شاعر عزیز گوارا روضی دانشمند و سیاح و حق جو ابومعین‌الدین تا صریحاً خست و خفت از بی‌مهری را با این مختصر نمی‌توان نشان داد. به عقیده بنده اگر نکته تاریخی (به قول آقای مهرآئین) در حیات آن مرد بزرگ وجود داشت، استادمحمد ابراهیم باستانی با ریزی همشهری مخلص درستی مقاله‌ای تحت عنوان "جاذبه سیاسی قاره و اسما عیلیان ایران" در کتاب "کوچه هفت پیچ" تقدیر و بررسی و روشن کرده است. مثل اکثر نوشته‌های ایشان بسی ملودر اما دارد.

قضاوت تاریخ نسبت به باطنیان از کتب سرچشمه می‌گیرد که به دستور سلجوقیان، عباسیان، مغز تویان و سامانیان و چنگیزیان نوشته شده و غیر از آن هر چه را یافتند سوزانند. اینان قدرت - طلبان جباری بودند که مردانی چون شیخ الرئیس ابوعلی سینا، ناصصر خسرو، حسن صباح را فراری دادند و حسرت و زبیر را در لای دودرخت سپیدار شقه کردند و تا عری حما سه را بر روی زنده‌کن را تهدید به ساقیدن در زیر سم پیل کردند. فردوسی خود گوید:

مرا بیم دادی که در پاری پیل تنم را بسای تو در پاری نیل نترسم که من سرگ را زاده‌ام به بیچارگی دل بدو داده‌ام

شاید در آینده نیز نسل‌های آینده‌کشور ما نیز جریان اوضاع مملکت ما را بر حسب معیار نوشته‌های امروز در وطن قضاوت کنند و از خود بپرسند: چرا همگی آزادخواهان و وطن پرستان ایران را رها کرده و به سوی غرب روانه شده‌اند؟ در هر صورت از زمان رحلت حضرت محمد (ص) تا کنون یافتن حق و پیروی از امام برحق بسیار پیچیده و مشکل بوده است. چه‌جا نشینان آن حضرت همگی خود را نایب برحق و امیرالمؤمنین می‌خوانند و با این تفصیل حاله‌کسی می‌تواند مثلاً از طین یا جبرفت یا سایر طالقان یا کردستان ... بدانده حقیقت درکجا است.

در نه‌مده‌ها من دوقرآن می‌بینم از مهدی و دجال نشان می‌بینم دین نوع دگرگردد و اسلام دگر این سرنهان است عیان می‌کنیم

با تشکر از چاپ این مختصر از سوشین : م - د

## شاهنامه و ده هزار واژه

در شماره ۱۴۳ آن روزنامه، در مقاله‌ای دربارۀ شاهنامه از استاد محجوب و با عنوان "گنجینه‌ای با صدها هزار واژه" چنین می‌خوانیم:

"شاهنامه" امروز دارای قریب پنجاه هزار بیت است... واژه‌ها به‌طور متوسط هر بیت را دارای ده کلمه می‌گیریم، با نمود هر بیت هزار کلمه، مصطلح فارسی زبان در این گنجینه بی‌مانند برای ما به یادگار مانده است.

با بدیدآوری کرده‌چنین مری محال است زیرا تا می‌واژگان غنی ترین زبان جهان نیز حتی اگر اصطلاحات فنی و علمی را هم اضافه کنیم، به این حد نمی‌رسد. نکته اینجا است که استاد محجوب لغات مکرر را حساب کرده‌اند، زیرا اغلب واژه‌ها چندین بار در متن تکرار می‌شوند و واژه‌های دستوری مانند حروف اضافه، صدها بار. اگر به اصطلاح مفردات لغات را شمارش کنیم، شاهنامه از تقریباً "ده هزار واژه" غیر مکرر تشکیل شده و تنها پدافکرده‌ها بین رقم اندک باشد چون برای نمونه شما می‌توانید از "سین" تکرار هزار و نه غیر مکرر درست شده است. از نظر تنوع واژگان ادبی، شکسیر یا بیست هزار واژه مفرد مقام اول را دارد و فردوسی نیز بی شک از این نظر در رده‌های نخست جای می‌گیرد ولی مسئله اصلی در مورد وی اینست که شاعر ملی ما از کاربرد واژه‌های غیر فارسی خودداری کرده است.

با احترام

دوستان دل - کلونی

این شرح کوتاه را استاد محمد جعفر محجوب در پاسخ خواننده‌گرمی نگاشته است.

آقای کلونی عزیز اولاً "سیاس" سیاسی‌گزارم که به نوشته بنده به چشم عنایت نگریستید. اما بنده یگان‌آوری سرکار را از مقوله توضیح و افکاحات می‌دانم چه بدیهی است که وقت سی پنجاه و دوهزار بیت شاه نامه را در ده ضرب کنیم هر کس می‌داند که بعضی کلمات شاید بیش از هزار بار در آن تکرار شده باشند. مقصود این بوده است که نوشته‌های بدین حجم، به زبان پارسی، در قالبی که امکان دخل و تصرف در آن بسیار کمتر از نثر است برای ما به یادگار گذاشته. در ضمن باید در مورد واژگان مکرر این نکته را نیز توجه کنیم که بسیار اتفاق افتاده است که بعضی از آن‌ها به چند معنی و در کار برده‌های گوناگون در شاهنامه آمده باشند. مثلاً در این بیت فردوسی در شرح حال سواد به پس از آشکار شدن بی‌گناهی سیاوش:

چنان شد که گفتی طراز نخ است و یا پیش آتش نهاده یخ است

کلمه نخ به معنی نقش کلیم و جامه منقش به کار رفته است و هیچ فارسی زبانی، جز با مراجعه به فرهنگ این معنی را نتواند دانست.

## در باره پیام بختیار

عزیزان: پیام نوروزی آقای شاپور بختیار را خواندم. این پیام در ضمن تا به غیر عجیبی گذاشت. به‌طوریکه با قلب پر از نعت در پیش خود گفتم که مردم که به نام یک ایرانی وطن پرست و آزادی دوست (تا زمانی که نیروهای آفریمتی بر سر زمین ما فرمانروایی می‌کنند) از پانزدهمین و به‌هر شکل و ترتیبی که شده سهم خود را در راه براندازی دشمنان و وطن‌داکنند. بدین معنا به‌شما، به‌شمایی که هدف‌نهایی تان آزادی ایران و برقراری دموکراسی است دست دوستی و همکاری دراز می‌کنم. تا آنجا که امکان‌هاست من اجازه می‌دهم از هیچ‌گونه کمک و تلاشی دریغ نخواهم ورزید، به‌امید روزی که همه با هم در میهن خود آستین‌هايمان را بالا بزنیم و با شادی و سرور و ایمان را بخ بپرووی برا هر یمن، وطن خویش را از گردوغبار عقب‌ماندگی‌های قرون وسطایی پاک کرده و بدین سان زیبایی‌های زندگی را برای هموطنانمان به‌ارمان آوریم.

پیروزی ما با شماست زنده‌ها ایران - زنده‌ها دموکراسی برکن غریبی - احمد امیدی‌زادانی



فواد روحانی



# مصدق ونهضت ملی ایران درکشاکش چپ و راست

## قانون اجرایی ملی شدن صنعت نفت

نواب صفوی مخالفت خود را با دکتر مصدق و کاشانی مخفی نمی کرد بلکه بر گشت خود را از آن ها با ذکر بیادون ذکر دلالت اعلام می نمود. روزنامه "جنگار" در شماره ۲۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ نوشت مناقشات و کشمکش میان نواب صفوی از یک طرف و کاشانی و جبهه ملی از طرف دیگر در روزهای اخیر موجب دودستگی در داخل فداثیان اسلام شده و نواب صفوی با ادای الفاظ رکبیک نسبت به جبهه ملی و کاشانی گفته است آیت الله کاشانی و مصدق و جبهه ملی روی لندن را سفید کردند. در تاریخ ۲۳ اردیبهشت نواب صفوی طی یک محاسبه با خبرنگار "مجله" "ترقی" پیشا مدوعلل اختلاف را به تفصیل شرح داد و از جمله چنین گفت:

" ما با رویه کاشانی و دکتر مصدق و اعضای جبهه ملی مخالفیم زیرا این ها به کمک فداثیان اسلام به مجلس رفتند... من (به عبدالقدیر آزاد) گفتم با بدوکلای جبهه ملی سعی کنند که احکام اسلامی اجرا شود... در ملاقات با کاشانی تصریح کردم که... وظیفه آنها است که سعی کنند احکام اسلام اجرا شود ولی کاشانی بهانه های آورد و حرفهای من در او اثر نکرد... ما به کاشانی گفتیم رویه تو رویه دینی و رفت و آمد تو رفت و آمد دینی نیست باید تغییر رویه بدی و باید فرزندان اسلام را اجرا کنند ولی این حرفها در او اثر نکرد... من معتمد که اکنون تمام برادران عزیز من به دستورد دکتر مصدق و کاشانی و جبهه ملی محبوسند... بعد از اینکه رزم آرا به قتل رسید همین کاشانی آهسته به من گفت با یدهفت نفر دیگر (که اسمایشان را بر دلم گشته شون ولی اسم من و تو در میان نباشد... من کاشانی و دکتر مصدق و جبهه ملی را به محاکمه دعوت می کنم که اخلاقا محاکمه شوند."

در همان تاریخ ۲۳ اردیبهشت اعلامیه ای از طرف مجمع مسلمانان مجاهد (به رهبری کاشانی و عضویت شمس قنات آبادی) خطاب به دکتر مصدق منتشر شد به این مضمون:

" افراد رشید و فداکار مجمع مسلمانان مجاهد که در مبارزه ملت مسلمان ایران علیه انگلستان برای ملی کردن صنعت نفت مبارزه نموده تصمیم گرفته اند که برای محافظت جنا بدالی شب و روز در اختیار شما باشند."

گروهی که در او خرابی بهشت از جمعیت طرفداران نواب صفوی انشعاب کردند طی بیانیهای که انتشار دادند چنین گفتند:

" ما هر آن برای عملی شدن دستورات مقدس آسمانی و اجرای قوانین مقدس قرآنی در سنگرهای پولادین ایمان نشسته و به انتظار فرستیم (۱)."

روز ۲۲ تیر ۱۳۳۰ هنگام ورود هریمن به تهران تظاهرات به وسیله جمعیت هواداران صلح انجام گرفت که منجر به درگیری با مأموران نظامی و کشته و زخمی شدن عده ای گردید چون در جریان گفتگو شده بود که عده ای از فداثیان و مجاهدین اسلام قصد داشتند در پشتیبانی از حکومت دکتر مصدق به میتینگ دهندگان حمله کنند ولی بنا به توصیه کاشانی (برای جلوگیری از اختلال نظم عمومی) از این اقدام منصرف شده بودند، فداثیان اسلام طی اعلامیه ای به امضای نواب صفوی این شایعه را تکذیب کردند و گفتند ما با حکومت هایی که مجری احکام اسلام نباشند همکاری نمی کنیم.

روز ۲۵ مرداد ۱۳۳۰ برخوردی بین فداثیان اسلام و قوای انتظامی در تهران رخ داد به این صورت که در حدود ۲۰۰ نفر از آنها بقصد تشکیل میتینگ در مسجد شاه به راه افتادند ولی مأموران شهرستانی بعزت ممنوعیت انعقاد میتینگ جز در میدان شهنواز (فوزیه) آنها را متفرق کردند و در نتیجه این تصادم چندین نفر زخمی و عده ای از روحانیون با زدن دست شدند.

آخرین حمله فداثیان اسلام به شخص کاشانی و جبهه ملی طی اعلامیه ای صورت گرفت که فداثیان در تاریخ ۲۲ دی ۱۳۳۰ منتشر کردند و طی آن کاشانی را همکار افراد جاسوس و خائن و مزدور آلمان و انگلیس خواندند و گفتند او از دربار مقرر ماهیانه می گیرد و از مدیر سازمان اوقاف (دکتر شروین) هم که به توصیه خود او منصوب شده است مبلغ هنگفتی دریافت می کند و سعی از آن را به سران جبهه ملی یعنی دکتر بقائی و دکتر شایگان و دکتر قاضی و شمس قنات آبادی می برد.

چند روز بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نواب صفوی به امید حفظ جان خود طی اعلامیه ای خطاب به شاه و نخست وزیر چنین گفت:

" هر کس عملاً با احکام خدا مخالفت کند اذاعت او حرام و مخالفتی او اجاب است من به همین دلیل بسا دولت مصدق به شدت مخالف بودم و او در تمام حکومتش از ترس من و برادرانم در امور دولتی منحصن بود. اما نواب صفوی شتوانست خود را از محکومیت به مرگ نجات دهد و دچار سر نوشتی گردید که سید حسین امامی (قاتل کسروی و وزیر) و خلیل طهماسبی نیز به آن گرفتار شدند. نقل مطالبی که گذشت و مضمون مدارک دیگری که از آن صرف نظرمی کنیم، گواه کافی است بر اینکه جمعیت فداثیان اسلام نه تنها هیچگونه سهمی در پیشبرد هدف های نهضت ملی نداشت (۲) بلکه تا حدی که می توانست با نهضت مزبور و رهبران آن خصومت ورزید."

فداثیان اسلام و مصدق

حال به بحث کوتاهی درباره جمعیت مذهبی دیگر یعنی مجاهدین اسلام به رهبری کاشانی می پردازیم بطوری که قبلاً گفته شد به قاضی که بعد از ملی شدن نفت فداثیان اسلام به مخالفت علنی با کاشانی و دکتر مصدق برخاستند. در آن زمان کاشانی تفاهم

کامل با جبهه ملی داشت و جمعیت وابسته به او از دکتر مصدق در برابر فداثیان اسلام پشتیبانی کرد. اما همفکری و همقدمی کاشانی با جبهه ملی دینی نپایید. در اواسط سال ۱۳۳۱ بستگی او با دکتر مصدق رویه سستی گذاشت تا آخر سال که یکباره مبدل به خصومت گردید. یعنی او همراه با دکتر بقائی و مکی از مصدق جدا شد و روشی پیش گرفت که تساقوت دکتر مصدق را در اندام داشت. چگونگی رابطه کاشانی با دکتر مصدق و نهضت ملی در کتاب "ناسیونا لیسم در ایران" مورد بحث قرار گرفته و نظریاتی در این مورد اظهار شده است که ترجمه آن را در زیر می آوریم:

" مراد و هدف کاشانی بسیار از ناسیونا لیسم به مفهوم غربی آن دور بود... در واقع تنها اساس واقعیتی هم پیمانی مصدق - کاشانی این بود که آنها دشمنان مشترک داشتند. هر دوی آنها حکومت رزم آرا و بیشتر حکومت های سابق بر آن و متعاقب جنگ را آلت همبستگی نام مقدسی بین انگلیس ها و ملاکین می دانستند. صرف نظر از این وجه مشترک نظریات و تمایلات آنها یکی متفاوت بود. کاشانی بین دین و سیاست هیچ امتیازی قائل نبود... عقیده داشت که رهبران دینی باید بر مردم را در امور اجتماعی یاری دهند و نباید تا ابد مگید می کرد که قانون گذاری فقط در حیطه دینی مجاز است که با شروع تطبیق کند... در موضوع اتحاد اسلام هم نظر خاصی داشت یعنی می گفت که من مشغول تهیه زمینه های هستم برای آنکه نه فقط کشورهای خاور میانه بلکه همه آسیا متحد شوند تا بلوک جدیدی و مقتدری به وجود بیاید که در میان دو بلوک شوروی و انگلیس - آمریکا قرار گیرد که فکر همبستگی

اساساً سیاسی است و میان ایران همین است هدفهای آنها تبلیغاتی می باشد... در دوره پشتیبانی هواخواهان کاشانی از تظاهرات جبهه ملی طی سالهای ۱۹۵۱ و ۱۹۵۲ همه پیش بینی می کردند که بروز شکاف بین مصدق و کاشانی اجتناب ناپذیر است و بعد از سال ۱۹۵۲ بحث فقط در این بود که این واقعیه کی رخ خواهد داد. کاشانی احتمالاً مطمئن بود که بهیچ روی با او خواهد بود و به همین جهت در سال ۱۹۵۲ در بریدن از مصدق شتاب کرد."

سپس نویسنده اشاره به حربه ای که کاشانی علیه مصدق به کار می برد می کند و می گوید آن حربه عبارت از جمع آوری رجزانه بود:

" هیچ یک از روحانیونی که با مصدق باقی ماندند این توانایی کاشانی را نداشتند که در فاصله چند لحظه جمعیتی از مردم عامی و عاری از فهم را به خیابان بکشاند... هواخواهان عده مصدق از طبقه متوسط تحصیل کرده بودند که بعد از فارغ التحصیل شدن چندین رغبتی به جمع شدن در تظاهرات نداشتند. دسته کاشانی ضعیف شده و به طرفداران شاه پیوسته بود که شب و روز برای برانداختن مصدق می کوشیدند... در هر صورت شکی نیست که جمعیتی که در ۲۸ مرداد ظاهر شد و مصدق را برانداخت ترکیبی بود از افراد عامی جنوب تهران که بوسیله سازمان بهیبهانی با کمک کاشانی و ملاهای کوچکتر و سران دسته های چاقوکش جمع آوری شده بود."

نویسنده کتاب جای دیگر در شرح ناآرامی تهران در روز ۹ اسفند ۱۳۳۱ که خیر قصد شاه به عزیمت از ایران منتشر شد، می گوید:

" جمعیتی فریادگنان به خانه مصدق ریختند... سردسته آنها شبان جعفری مشهور به بی میخ و معروف ترین گردآورنده چاقوکشان بود و کاشانی بود که این جمعیت بوسیله دسته کاشانی خریدار شده بود."

نویسنده هنگام تالیف کتاب (سال ۱۳۴۳) نظرسر خود را درباره مذهب سیاسی اینگونه اظهار می کند:

" در هر حال ملایان با رد دیگر نفوذ خود را روی طبقات پایین و متوسط پائین نشان دادند و فعلاً لیبرالان این اعتقاد عمومی را تقویت کردند که ملاها بر روی هم یک نیروی ضد ناسیونا لیسم هستند... عجلتاً ملاهای مرتجع همه مقامات دینی را که دارای اهمیت سیاسی است با پشتیبانی دولت در دست دارند. اینها دیگر مردم را به خیابان نمی کشانند مگر برای برگزاری مراسم و تشریفات دولتی و انتخابات"

اکنون دیگر خلیل طهماسبی و سایر فداثیان اسلام اقدام شده اند و کاشانی مدتها پیش از این عصر در سال ۱۳۴۱ شاکسیت و اهمیت خود را از دست داده بود. (۳) در خاتمه اضافه می کنیم که با ناسیونا لیسم کاشانی نیز چیزی جز یک نظر هروبازی نریبیده نبود نقطه اوج این صحنه سازی اقدام او در آبانماه ۱۳۳۱ به دعوت یک کنفرانس اسلامی در سطح بین المللی بود که چون هیچگونه استقبال از آن به عمل نیا موقوف شد. شرح این اقدام در گزارش مورخ ۲۶ نوامبر ۱۹۵۲ (۵ آذر ۱۳۳۱) سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه آمریکا بیان شده و خلاصه آن اینست که کاشانی روز ۲۱ آبان اعلام کرد که تصمیم به تشکیل یک کنفرانس اسلامی گرفته است. به این منظور که ملل مختلف اسلامی با یکدیگر آشنا شوند و پیوندهای اتحاد با یکدیگر را تقویت کنند و برای ترویج دین اسلام و توسعه روابط معنوی بین مسلمانان و جستجوی طریقه های عملی دفع استعمار امپریالیستی و تأمین صلح عمومی یک سازمان اسلامی شامل همه امت های مسلمان بوجود آورند. اما در تاریخ ۲۴ آذر سید مصطفی کاشانی از جانب پدر اظهار کرد که دعوت نامه ها بنا به عللی هنوز فرستاده نشده است. در حقیقت معلوم شد که دولت های عرب چون نسبت به دعوت بعضی شخصیت ها مانند نجاس با شاورشید عالی گیلانی و مفتی اعظم فلسطین که از نظر آنها مشکوک تلقی می شدند نظر موافق نداشتند. از قبول دعوت عذر خواسته بودند. در تاریخ ۳ آذر دکتر قاضی به عنوان سخنگوی دولت اظهار کرد که دولت به هیچ وجه در موضوع دعوت یا تلاش یک چنین کنفرانس دخالت نداشت و ندارد. با اینکه موضوع تشکیل چنین کنفرانس منتفی گردید. (۴)

در این بخش متن تصمیماتی را که منجر به ملی شدن نفت گردید عیناً نقل می کنیم:

۱ - در تاریخ ۴ آذرماه ۱۳۲۹ کمیسیون مخصوص نفت تصمیم زیر را به اتفاق آراء اخذ نمود: " قرار داد الحاقی با عده گس کافی برای استیقای حقوق ایران نیست لذا مخالفت خود را با آن اظهار می دارد."

۲ - در تاریخ ۸ آذرماه پیشنهاد کنفرانس و طمن (جبهه ملی) به شرح زیر در کمیسیون مخصوص نفت قرائت شد ولی به تصویب نرسید: " به نام سعادت ملت ایران و به منظور کمک به تأمین صلح جهانی امضا کنندگان ذیل پیشنهاد می نمایند که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره برداری در دست دولت قرار گیرد. امضا خا شریزاده، صالح، دکتر مصدق، مکی، دکتر شایگان"

۳ - در تاریخ ۲۱ دیماه مجلس شورای ملی تصمیم قانونی به شرح زیر اتخاذ نمود: " مجلس شورای ملی تصمیم با تأیید و تصویب گزارش کمیسیون دایر بر اینکه لایحه ساده گس کافی برای استیقای حقوق ایران نیست بمنظور اجرای قانون مهرماه ۱۳۲۶ به آن کمیسیون ماموریت می دهد که با توجه به پیشنهادات آقایان نمایندگان در ظرف دو ماه گزارشی منبسی بر تعیین وظیفه و رویه دولت تهیه و برای تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم نماید. آقایان نمایندگان می توانند در ظرف دو هفته هرگونه پیشنهادی که دارند به کمیسیون تقدیم نمایند."

۴ - در تاریخ ۱۷ اسفند کمیسیون مخصوص نفت به اتفاق آراء تصمیم زیر را اتخاذ نمود: " نظر به اینکه ضمن پیشنهادات واصله به کمیسیون نفت پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور مورد توجه و قبول کمیسیون قرار گرفته و از آنجا شیکه وقت کافی برای مطالعه در اطراف اجرای این اصل باقی نیست کمیسیون مخصوص نفت از مجلس شورای ملی تقاضای دو ماه تمدیدی نماید."

۵ - در تاریخ ۲۴ اسفند مجلس شورای ملی و در تاریخ ۲۹ اسفند مجلس سنا ماده واحده زیر را تصویب کردند: " مجلس شورای ملی تصمیم مورخ ۱۷ اسفندماه ۱۳۲۹ کمیسیون مخصوص نفت را تأیید و با تصدیق مدت موافقت می نماید. تبصره ۱ - کمیسیون نفت مجاز است از کارشناسان داخلی و خارجی در صورت لزوم دعوت نماید و مورد استفاده قرار دهد."

تبصره ۲ - آقایان نمایندگان حق دارند تا ۱۵ روز بعد از تشکیل کمیسیون پیشنهادات و نظریات خود را به کمیسیون داده و برای توضیحات در کمیسیون حق حضور داشته باشند."

۶ - در تاریخ ۷ اردیبهشت ۱۳۳۰ مجلس شورای ملی و در تاریخ ۹ اردیبهشت مجلس سنا طرح قانونی دایر بر طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت را شرح زیر تصویب نمودند:

ماده ۱ - به منظور ترتیب اجرای قانون مورخ ۲۴ و ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ راجع به ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور هیئت مختلطی مرکب از پنج نفر از نمایندگان مجلس سنا و پنج نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی به انتخاب هر یک از مجلسین و وزیر دارائی یا قائم مقام او تشکیل می شود.

ماده ۲ - دولت مکلف است با نظارت هیئت مختلط بلافاصله از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران خلع ید کند و چنانچه شرکت برای تحویل فوری به عذر وجود ادعائی بر دولت متعذر شود دولت می تواند تا میزان ۲۵ درصد از ازیادات جاری نفت را پس از وضع مخارج بهره برداری برای تأمین مدعا به احتیالی شرکت در بانک ملی ایران یا بانک سرضی الطرفین دیگر و دیعه گذارد.

ماده ۳ - دولت مکلف است با نظارت هیئت مختلط به مطالبات و دعاوی حقه دولت و همچنین به دعاوی حقه شرکت رسیدگی نموده نظریات خود را به مجلسین گزارش دهد که پس از تصویب مجلسین به موقع اجرا گذاشته شود.

# جنگ و صلح در روایت ملیون

بقیه از صفحه ۱

تربیدی نیست که ملاهای جا کم - تا چند سالی پس از دستگیری به قدرت مطلقه و مخصوصاً "تحت تاء شیر غنیمتی چنین سنگین و در عین حال سهل الوصول ، به روء بای تصرف قدس و تاء سیاسی یک دارالخلافتی سراسر " اسلامی " به عنوان یک امر محتوم ، سخت ب... و در داشتند ، ولی جبرجوارتد رفتہ رفتہ به آنها حالی کرد کہ به روء بای کاذبی دلنمستہ اند ، و این نیست کہ هر لحظه ارادہ کنندہ " بخت پیروزی " بیدرنگ دق الباب خواہد کرد . البته رجزہا را همچنان ادامہ دادہ اند ولی نہ با چنان پشتوانہ ای کہ " واقعیت های تلخ " را بیوانند .

یک وقت " برگردان " ورد زبان ہمہی آنها معجزہی " اسلام امام " بود کہ با دست " خالی " بر " قدرتی " غالب شد کہ گویا میرفت طرف پنجمال اروپای غربی را یک جا پشت سر بگذارد و از تمدن بزرگ برده گشا می کند ، و جبالا ترجیع بندہا از آغاز تا انتہای دروغ‌ها می است کہ اگر مشیت خداوند بہ خلق موجوداتی نظیر خمینی و خا منہای و رفسنجانی و موسوی تعلق نمی گرفت ، هیچکس از دهن هیچ تنابندہای نمی گذشت . بر راستی چه " کسی " جز از تعاش رفسنجانی قا دراست چشم در چشم مردمی کہ فلاکت را با بستگی و استخوان خوردگی می کنند و برای دسترسی بہ یک لقمہ نان بیشترین ساعات روز را در صف های بی پایان انتظار ، ہدر می دهند ، چنین بی پروا ادعا کنند کہ :

" نیروهای مبتکر ما در این هفت سال کشور را از وابستگی بہ درجات پائین وابستگی و از وابستگی مطلق بہ خدا تسلی و وابستگی رسانند ... آنطور کہ موفق شدیم نیروی هواکیما و صنایع پیچیدہ مان را بدون اتکا ، خارجی حفظ کنیم ، ( در این صورت پس ) چرا نتوانیم بقیہ صنایع مان را بکار بگیریم ؟"

و باز کمی جلوتر :  
" غذای ما در داخل است - ما ہی ما در داخل است - تمام مسائل زندگیما در داخل است و از مورد نیازمان را از غیر نفست می توانیم بدست آوریم و احتیاجی بہ اینکه نفت مسان را بفروشیم ... نداریم ..."

نا توانی و محدودیت " کلمہ ما " در انتقال بار سنگین مفاهیم همین جا معداق پیدا می کند .

یک طفل دیستانی برای فرار از تشر آشوزگار " دروغ " میگوید و حجت الاسلام رفسنجانی پیش نماز با بیعت و رشقی مجلس اسلامی هم " دروغ " می گوید . دآوری شما چیست ؟ باز هم دروغ ، دروغ است ؟

اما شنیدنی است کہ حجت الاسلام تازه در این میدان بی حرف نیست ، رقیب در کنار دارد مانند موسوی صدراعظم حوزه ولایت کہ در لاقزنی ، دست او را از پشت بسته است . اگر حجت الاسلام در خطبہ نماز ، باطلی میگوید و بہ ہوا میدہد - صدراعظم ، دروغ های حیرت انگیزش را روی کاغذ می آورد و در لایحہی بودجہی اسلامی می گنجد و علاوہ بر این ، مجلس اسلامی را بہ بحث و بررسی نیز دعوت می کند .

تا ہکا جدید موسوی ، نخست وزیر ، بخصوص در جمع بندی درآمدهای مملکتی است ہمراہ با بارش رتی بہ نمایندگان مکتبی کہ نگران نباشند " در سال ۱۳۶۵ معادل یکصد و چهل و نہ میلیون تومان ، یعنی نزدیک بہ نیم بیلیون از درآمدهای دولت اسلامی از محل فسروش نفت تاء مین وتضمین شدہ است ."

حالا دروغ وزیر ہم بجای خود کہ بہ صورت بنا بر وظیفہ ، ابزار کار اہل بلتیک است و بنا بر عہدہ یا پس توقف اضطراری صدور نفت را کہ ناشی از بمبارانها و زکارماندن تلمیہ خانہ ہا است بتجوی در لفا ف های مثلا " سیاسی " بیوانند تا بہ " حیثیت حکومت اللہ " لطمہ ای وارد نشود . غافل کہ این لاپوشانی " سیاسی " دست صدراعظم مکتبی را با ہمہی بی قیدی و پرهیز از چون و چرا ہا در حنا می گذارد کہ تا چار با پدبہ این پرسش جواب دہد : بر رفتی کہ بنا بر " مصلحت " ما در نخواہد شد ، چہ در آمدی متصور خواہد بود ؟ عجب آنجا است کہ " شورای اسلامی " آخوندی ( کہ پیدا است چہ اعمال اصلی را ناچار در این هفت سال آموختہ است ) بہ این نکته توجه میکند ( و یارندان توجہش میدہند ) کہ :

" تا مین ۱۴۹ میلیارد تومان در آمد ، مستلزم تولید ۵۰ میلیون و بیست و پنج ہزار بشکہ در روز و فروش قطعی آن بہ قیمت ہر بشکہ پانزدہ دلار خواہد بود " و نتیجہ می گیرند کہ رسیدن بہ چنین رقمی محال است .

ملاحظہ کنید ، صدراعظم متعہد و مکتبی با یک دروغ چند چہ ما زنی کرده است .

فہم مطلب بہ یک نگاہ - بہ یک جمع و تفریق سادہی دیستانی نیستہ از دارد - معادلہی چند مجہولہ نیست .

## قلیہ ولایت فقیہ

رفسنجانی خود میداند کہ با وہ میگوید ، ولی با پدر سم حکومت اللہ را رعایت کند . موسوی ہم می فہمید کہ می لاقسد ، منتهی قرارش این است کہ شما پیشی را بگرداند - بہ تقلید " دولت مردان " بودجہ بنویسد . با ارقام و اعداد کہ ما بہای ہم نمی خواہد - ستونی برای درآمد ستونی برای هزینه جور کنند - پس کار تمام است ، می نویسند و تحویل می دہد و پیش از این ہم وظیفہ ای ندارد . مکتبی متعہد ہم دست و پا باین ہردو فن ، بحد کفایت برخورد را است - امام ہم با رہا و بارہا فرمودہ است کہ در قلمرو او هیچکس حق ندارد ضل آب را بر ہم زند .

مولانا عبید میگوید :  
" یکی از دیگری پرسید کہ قلیہ بہ " قاف " کشند و با بہ " عین " گفت : قلیہ نہ بہ قاف کشند و نہ بہ عین ، قلیہ بہ گوشت کشند ."



اگر آن بزرگوار سرازخاک ہفتصد سالہ بر میداشت ، میدید کہ درسزمین او معرکہ دارانی سز شدہ اند کہ قلیہ بہ دروغ ہم کشند .

" بودجہ " می نویسند ، بی آنکہ پولی در کار باشد ، از " فورما " یحنا زندگی و خزانیہ مالک آراز " می بالند و سلسلہی اعداد را تحویل میدہند و هیچ اہل مزاج و طنز ہم نیستند . خمینی نیز کہ ابتکار این قماش گزارہ ہا از او است ، گرچہ نسبت بہ گذشتہ عیالی کوتاہ آمدہ است ولی باز بقول خیالی " برای آنکہ آرا مان دروغش فراموش نشود " بنا بر " وظیفہ " گہگاہ سرمشقی را بعنوان نمونہ و راہنما ، تحویل می دہد ، همین چند ہفتہ ہی پیش بود کہ بہ " میہمانان خارجی دہی فچر " با تاکید تمام توصیه می کرد : " بہ روستا های دور افتادہ بروید و ما ہدہ کشید کہ زندگی دہقانان در این ہفتہ سال و در ظل توجہات انہی و بیورش مکتبی ، جقدر با گذشتہ فرق کردہ است ."

## باب الحوائج ملایان حاکم

گرچہ پیرو مدبنا بر روند " اسلامی " خود ، دروغی برانندہ و اطمینان ہم داشتہ است کہ سورچراہی دہی فجر ، نسہ برای کوی نوردی و با زدبدا ز روستا های اسلامی کہ بخا طرمہای رنج فریبر خود ہموار کردہ اند - معذرا با بد در مورد خاص

اوستوان گفت کہ برای یک حرجی نیست ، چند سال مشاالی ، عزلت در یک قلمروی نفوذ ناپذیر و وحشت از آفتابی شدن و حتی پرهیز از قلمزیا رت واستخوان سیک کردن ، اجازہ نمی دہد تا با چشم خود بہ بیند کہ دریای همان قلمرو در قلمرو با بیخت خلافت ، چہ بر مردم می گذرد ؟ و زندگی در این ۷ سال تشعع اسلامی ! چہ تحول شگرفی پذیرفتہ است !

این استثناء ، حالا خواہ درست و خواہ نادرست ، بہر صورت در حق امثال رفسنجانی و موسوی صدق نمی کند ، مسلما آنها میداند کہ سخت می لاقند و واقعیت این است کہ کفگیر بہ تہ دیگ خورده است .

پس باید قبول کرد کہ گزارشگر مجلسی آمریکا شایرہا ترفندہ و شتاب و بی پروائی ملایان را در انتقال شوتہای غارتی ، بدرستی رد گرفتہ است .

چطور می توان با ورکرد کہ موسوی خود نمی دانند کہ با رقم خاص چیزی نصیب کشکول خلافت نخواہد شد ؟

چطور می توان پذیرفت کہ رفسنجانی از این قحطی و فلاکت ایرا نکیر ، بیخبر است ؟

مسلما متولیان رژیم خود بیوش از هرکس ، آگاہند کہ خانہ از پای بست ویران است - می دانند کہ بیستہ دوام این بساط امید ہی نباید بست و خواہ ناخواہ این بنا ی بر آب نشستہ محکوم بہ فنا است .

اما بریک استنتاج ( نہ چندان بیحساب ) همچنان چسبیدہ شد و این کہ : ہر لحظہ ما ندن غنیمت است ، بخصوص کہ با پسان غائلہ سخت ذلت بار است .

توجہ کردہ اند کہ غنیمت بزرگ و آخرین غنیمت ، کش دادن معرکہ است و این با دروغ محض مقدور نیست . دروغ درجسد یک لفا ف بکار می آید ولی او آوار را بہ تنہای مانع نمی شود . در پی عامل کار سازی باید بود کہ گشا باشد و آن " جنگ " است کہ بہ اختناق میدان میدہد و اختناقی کور کہ نفس از ہرزیا دہ خواہی می گیرد و در عین حال بہ کورہی جنگ سوخت می رساند ، اگر توب و تانک و ہوا بیما بہ کفایت نیست ، امواج انسانی کمبود ہا را جبران می کند ، اگر ہر بار چند ہزار کودک و بیبروجوان تکہ پارہ و ذغال می شوند و با در عمق مراب ہا روی ریگزارہا می پوسند ، آخوند حاکم را با کی نیست .

پس دامن این جنگ " بر نعمت و بر رحمت " را با بدجسید کہ همان باب الحوائج است . ہم ابزار رکوب و ہم وسیلہی غارت و ہم ما بہی کش دادن معرکہ است .

حساب غلطی ہم نیست ، شیشہی عمر رژیم شکستہ خواہد شد اگر جنگ متوقف شود ، سزدوام رژیم در پشت شمار " جنگ " تا پیروزی پنهان است کہ بی برہہ اش " جنگ جنگ برای ماندن و مکیدن " است ، آخوند حاکم حالا دیگر باور کردہ است کہ خلافت سرا - سری اسلامی اش یک رویای کاذب بود و آنہم برید .

با چنین برداشتی ، فہم این نظر دشوار نخواہد بود کہ :

در شرایط خاص امروز - " صلح طلبی " مقولہ ای از زمینه های اصولی " استراتژی ملی است - ہر تلاشی برای خاموش کردن این آتش مہیب ، علاوہ بر نتایج فوق العادہ مہم انسانی و مادی آن ، حرکتی است در مسیر براندازی ، مسلما " ضایعات انسانی جنگ تا ہمین جا نیز جبران ناپذیر است . با نصد ہزار رکشتہ و صد ہزار منطبول ( و عمدتاً از نسل جوان ) ، ہرگز قابل ترمیم نیست ، ہمہ چیز قابل احیا است ، مگر آدمیزاد ، و باید قبول کرد کہ طلاہا ، بخصوص با ہراس از روز مسادا ، ابائی ندارند کہ سراسر ایران را بیک دست سوختہ تبدیل کنند ، هیچ مبالغہ نیست کہ اگر یقین کنند شرط بقایشان ، وجود چنین بہرہوت مردہ ای است ، خود دست بکار نخواہند شد ، ہمہ چیز را بہ آتش خواهند کشید . بنا بر این معادلہی " صلح و جنگ " مخصوصاً در شرایطی کہ حریف تا پشت مرزہای خود عقب نشستہ است بدینگونہ شکل میگردد : - براندازی رژیم ، حتی اگر جنگی در میان نبود ، همچنان نوری تریستن و اناسی ترین رسالت نہفت ملی ایران محسوب می شد .

- جنگ ، امروز ، بہ آخرین تکیہ گاہ و عامل دوام رژیم مبدل شدہ است . نتیجہ : تاکید بر " صلح " نہ تنہا بخاطر سد بستن بہ روی ضایعات انسانی و مادی - بلکہ با جامعیت یک هدف تاریخی - ملی نیز مطرح شدہ است .

# سیاست نفتی عربستان سعودی

بقیه از صفحه ۱

ظاهراً، اگر این وضع ادامه یابد، نباید برای ثبات رژیم خالی از خطر باشد. و این شرایط، تغییر سیاست نفتی را اجتناب ناپذیر می‌کند. تغییر سیاسی که باید منتظر بی‌ایالاتی شدن تولید نفتی باشد تا عربستان جای خود را بتواند اولین تولیدکننده اوپک باز یابد و وضع مالی را سر و صورت دهد.

در ژانویه ۱۹۸۶، عربستان تصمیم خطیری در تغییر سیاست نفتی اتخاذ می‌کند و در نتیجه موضع تولید محدود و دفاع از قیمت پایه را ترک می‌کند. تصمیم قاطع مقامات جای تردیدی باقی نمی‌گذارد. جنگ واقعی قیمت‌ها علیه رفیقای عضو اوپک و بخصوص علیه انگلستان و نروژ که در سالهای اخیر مرتباً "تولید خود را به ضرر اوپک و مخصوصاً به ضرر عربستان با لاجرم اند، در پیش گرفته می‌شود.

## اهداف واقعی عربستان در عمل

اهداف واقعی عربستان در عمل مانوری دوگانه دارد. نخست بر آنست تا تولید را به ۴/۵ میلیون بشکه در روز بالا ببرد که مطابق سهمیه پیش‌بینی شده اوپک است. دیگر موضوع مهم برای این کشور آنست که با افزایش صادرات، کاهش مستمر درآمد نفتی را در این سه سال در برابر چاهانی جبران کند. اینک تولید نفت عربستان در پایان ۱۹۸۵ به دو برابر بر سریده است، حاصل آمده است. اما به چه قیمتی؟ آری بسیار گران و فوق العاده تمام نشده است؟ از ژانویه ۱۹۸۵ نرخ جهانی نفت به بیش از نصف ۲۹ دلار با سقوط به ۱۵/۵ دلار بهای امروزه کاهش یافته است.

بنابر برآورد کمیته نفتی "شل" کاهش یک دلار از بهای نفت برای اوپک هر ماه ۴۰۰ میلیون دلار آب می‌خورد. با توجه به اینکه قیمت نفت ۱۸/۵ دلار کاهش یافته است، حساباً فروری ۱۹۸۵ آسان است؛ کشورهای عضو اوپک حدود ۷/۵ میلیارد دلار از دست داده‌اند. همه کشورهای عضو دچار سقوط عم آنگیز درآمدشان شده‌اند و عربستان سعودی که خود عامل این سیاست بود نیز درآمد هنگفتی از دست داده است تا آنجا که انتشار بودجه سال ۸۶ - ۸۷ را بعلت عدم تطبیق آن از درآمد واقعی نفتی سال جاری به تأخیر انداخت.

بسیار دارند. پس نمی‌توانند به این جنگ تا پایان آن ادامه دهند. هم‌اکنون پس از دو ماه نتایج آن آشکار شده است: در همه کشورهای تولیدکننده روزگاری دشوار، برنام‌های ریاضت و تجدید مذاکرات برای برداخت و ام‌ها بالا می‌گیرد. بحران اقتصادی پدیدار شده است. کشورهای عضو اوپک در چینی‌شراپی چه می‌توانند بکنند؟ در آخرین اجلاس سازمان در ژنو، بدون توافق و نتیجه‌ای دوطرفه فکر کاملاً مخالف وجود داشت.

ایران، الجزایر، نیجریه و لیبی از طرف فکراول، یعنی بازگشت به سیاست تعیین سقف تولید برای هر عضو، برای بالا رفتن قیمت دفاع می‌کردند. بطور خلاصه، این کشورها بازگشت به سیاست اوپک را که از سال ۱۹۸۱ تا ۸۶ مجری بود و به شکست انجامید، توصیه می‌کردند.

در نتیجه برای کار آمدن این سیاست کشورهای تولیدکننده باید کاهش چسب تولید را بپذیرند. به چه مقدار؟ بنا بر اطلاعاتی که اخیراً از سوی آژانس بین‌المللی انرژی چاپ شده است، در حال حاضر دست کم یک اگافه عرضه نفتی دو میلیون بشکه‌ای در روز وجود دارد.

اوپک که در حال حاضر ۱۶/۵ میلیون بشکه در روز تولید می‌کند، به این ترتیب باید تولید را به ۱۴/۵ میلیون بشکه در روز کاهش دهد. سهمیه‌ای چنین پائین آیا از سوی کشورهای عضو محترم شمرده خواهد شد؟ در این موضوع به دو دلیل میتوان شک کرد: نخست آنکه سقف پیشین تولید (۶) میلیون بشکه در روز که از سوی اوپک توصیه شده بود رعایت نشد و همه اعضای اوپک از سهمیه تولید خود درمی‌گذشتند.

دوم این است که هیچ کشوری با نحوه سهمیه‌بندی موافق نیست و می‌کوشد سهمیه حداکثر داشته باشد. دشواریهای جدید اقتصادی کشورهای عضو این بر خورده‌ها را شدت خواهد بخشید و مانع از توافقی اصولی خواهد شد.

باری، در شرایط کنونی کاهش مهم و فوری تولید اوپک به قصد ایجاد تعادل در عرضه و بالابردن قیمت‌ها نمیتواند بطور جدی با جرایم درآید.

پس باقی می‌ماند راه حل سعودی. این راه حل همانطور که دیدیم بعلت برخورد با مخالفت قاطع لندن، بخت بیروزی ندارد. در بهترین صورت سعودی‌ها میتوانند به توافقی محدود با برخی از کشورهای تولیدکننده غیر عضو اوپک دست یابند که چنین توافقی احتمالی قادر به حل مشکلات کنونی نیست. با توجه به اینکه اوپک در زور آزمایی کنونی برنده نخواهد بود، عربستان سعودی نیز با زنده‌گامی نیست.

زیرا در حال حاضر یکی از بهترین سهمیه اوپک را بدست آورده است و در درازمدت شرایط بازگشت به قدرت در برابر چاهانی را فراهم کرده است.

سیاست نفتی سعودی باعث تحساد و اتفاق نظر در اوپک شده است. بلکه بطور کلی دو گروه مخالف پدید آورده است. گروه اول کشورهای پرجمعیتی را در بر می‌گیرد که به سرمایه‌گذاری‌های مهم نیماز دارند چون الجزایر، ایران، نیجریه و لیبی. این کشورها با جنگ قیمت‌ها مخالفند و طرفدار کاهش تولید هستند تا به این وسیله بتوانند بهای نفت را بالا ببرند.

گروه دوم متشکل از کشورهای خلیج فارس است. این گروه به‌تأثیر شکر تولید تا وقتی که دیگر کشورهای بزرگ تولیدکننده و غیر عضو اوپک - به ویژه انگلستان - در این امر شرکت نکنند، با ورتدارند.

دومین هدف اصلی که عربستان سعودی تعقیب می‌کند، کنسید عبارت از آنست که انگلستان مجبور به مذاکره با اوپک شود تا سهمیه بندی جدید و عادلانه‌ای در تقسیم بازار جهانی نفت به‌جای درآید. چرا انگلستان همکار با اوپک را قبول کند؟ دلایل وزیر نفت سعودی در این مورد ساده است: با حفظ قیمت نفت به مدت ۶ ماه در ۱۲ تا ۱۵ دلار برای هر بشکه، تولید نفت دریای سیاه و آمریکا و دیگر نواحی نفتی خارج از اوپک تا دو میلیون بشکه در روز کاهش خواهد یافت و در نتیجه در سطح چنین قسمتی، نفت دریای سیاه و آمریکا دیگر سودآور نخواهد بود و انگلستان ناچار از مذاکره خواهد شد.

در حالیکه موقعیت به این سادگی نیست و سعودی‌ها دو عامل مهم در این میان را فراموش کرده‌اند: سیاست نفتی آنکه بهای نفت شده نفت دریای شمال بر حسب استخراج از منابع مختلف، گوناگون است. اختلاف هزینه‌ها از ۱۵ تا ۱۲ دلار متغیر است. پس کاهش فعلی بهای نفت به آن اندازه مهم نیست که بخت به کاهش تولید نفت دریای شمال شود. افزون بر این لازم به یاد آوری است که بریتانیایی‌ها در موضع قدرت قرار دارند: درآمد نفتی تنها ده درصد درآمد دولت را در بر می‌گیرد، پس آنها میتوانند جنگ قیمت‌ها را در شرایط بهتری ادامه دهند.

چنانچه بنظر می‌رسد که سعودی‌ها نیروی خود و دیگر اعضای اوپک را دست‌بالا گرفته‌اند. برای پیروزی در چنین قیمت‌ها کشورهای عضو باید قادر به ادامه آن باشند. در حالیکه چنین نیست، زیرا کشورهای تولیدکننده برای ادامه حیات به درآمد نفت وابستگی

- ۱ - حق ایران به ملی کردن صنعت نفت تا آنجا که مربوط به قرارداد امتیاز شرکت نفت انگلیسی و ایران و تعدد قراردادی ایران به عدم انقاي آن بود.
- ۲ - معنی اصطلاح ملی کردن و مکان یا عدم مکان ابقای شرکت سابق به نحوی از آنجا با وجود ملی شدن صنعت نفت.
- ۳ - طرز تعیین و پرداخت غرامت
- ۴ - مراجع قضایی برای حل اختلافات ناشی از ملی کردن نفت.
- ۵ - استفاده از رکنان خارجی
- ۶ - انجام معاملات فروش از طرف شرکت ملی نفت

- ۱ - روزنامه "قاسم‌قاسم" شماره ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۰
- ۲ - جای تأسف است که آقامی که نمایندگان جبهه ملی در مجلس شورا در تاریخ ۱۶ مرداد ۱۳۳۱ به عمل آورده و لایحه‌ای با قید سه فوریت مبنی بر عفو و آزادی خلیل طهماسبی قاتل رزم آرا به تصویب رساندند حمل بر تصدیق این دعوی جمعیت فدائیان اسلام گردید که آنها با واداشتن طهماسبی به ترور رزم آرا مسبب اصلی ملی شدن نفت بوده‌اند و حال آنکه بطلان این دعوی بطوری که گفته شد خود بخود واضح است.

Cottam : 153-155

۴ - تلگراف محرمانه سفیر انگلیس دروا شگتن به وزارت امور خارجه انگلیس به تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۵۲ سند FO 371/98719

۵ - جمعا "۶۷ فقره پیشنهاد از طرف نمایندگان به کمیسیون و اصل گردید بین آنها یک پیشنهاد به این مضمون بود که متیاز ۱۳۱۲ ملتی و امتیاز رسمی مجدداً برقرار شود.

پس از تصویب هیئت وزیران به وسیله وزارت فرهنگ به موقع اجرا گذارد. مخارج تحصیل این محصلین از عواید نفت برداشته خواهد شد.

ماده ۷ - کلیه خریداران محصولات انرژی از شرکت نفت انگلیس و ایران هر مقدار نفتی را که از اول سال مسیحی ۱۹۶۸ تا تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ (۲۰ مارس ۱۹۵۱) از آن شرکت سالیانه خریداری کرده‌اند می‌توانند از این به‌پسندم به نرخ عادلانه بین المللی همان مقدار را سالیانه خریداری نمایند و برای مازاد آن مقادیر در صورت تساوی شرایط در خرید حق تقدم خواهند داشت.

ماده ۸ - کلیه پیشنهاد های هیئت مختلط که برای تصویب مجلس شورای ملی تهیه و تقدیم مجلس خواهد شد به کمیسیون نفت ارجاع می‌گردد.

ماده ۹ - هیئت مختلط باید در ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون به کار خود خاتمه دهد و گزارش عملیات خود را طبق ماده ۸ به مجلس تقدیم کند و در صورتی که احتیاج به تمدید مدت باشد باید ذکر دلایل موجه درخواست تمدید نماید و تا زمانی که تمدید مدت بهر جهتی از جهات از تصویب مجلسین نگذشته است هیئت مختلط می‌تواند به کار خود ادامه دهد.

\*\*\*

ضمن اعتراضاتی که از طرف شرکت نفت و دولت انگلیس نسبت به اقدام دولت ایران بعمل آمد و همچنین در جریان مطالعه و اظهار نظر درباره پیشنهاد های کمیته بعداً برای حل اختلاف مطرح شد بعضی نکات مربوط به مقررات قانونی ملی شدن نفت مورد بحث و تفهیم قرار گرفت. ما فهرستی از نکات مزبور را ذیل درج می‌کنیم ولی چگونگی بحث در مورد هر یک از آنها را ضمن ذکر اظهارات طرف و توضیح پیشنهادها شرح خواهیم داد.

مصدق  
و نهضت ملی ایران  
در کنگش چپ و راست

بقیه از صفحه ۹

ماده ۴ - چون از تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ که ملی شدن صنعت نفت به تصویب مجلس سنا رسیده است کلیه درآمد نفت و محصولات نفتی حق مسلم ملت ایران است دولت مکلف است با نظارت هیئت مختلط به حساب شرکت رسیدگی کند و نیز هیئت مختلط باید از تاریخ اجرای این قانون تا تعیین هیئت عامله درآمد بهره‌بردار ری دقیقاً "نظارت نماید.

ماده ۵ - هیئت مختلط باید هر چه زودتر اساساً ستاره شرکت ملی نفت را که در آن هیئت عامله و هیئت نظارتی از متخصصین پیش‌بینی شده باشد تهیه و برای تصویب به مجلسین پیشنهاد کند.

ماده ۶ - برای تبدیل تدریجی متخصصین خارجی به متخصصین ایرانی هیئت مختلط مکلف است آئین نامه فرستادن عده‌ای محمل به طریق مسابقه در هر سال برای فرا گرفتن رشته‌های مختلف معلومات و تجربیات مربوط به صنایع نفت به کشورهای خارج را تدوین و

## میوه‌های درخت بی ریشه خامنه‌ای

دا نشگاه ها در میهن ما ، همواره سنگرهای پایداری بوده اند و داندیشی پیکر و روحی به سائقه خرد و منطق از هرگونه استبداد و بیگانه تازی نفرت دارند . روح الله خمینی با آنکه پیش از با زکشت به ایران ، به نیروی جا ذبه های دروغین ، گروه بزرگی از دانشگایان را مفتون ساخته بود ، از همان لحظات نخستین ورود ، عناد دشمنی خود را با دانش و دانشگاه و دانشجو ، آشکارا خست . پادمان فرفته است که موبک منحوش برخلاف برنامہ از پیش تنظیم شده ، به تندی از برادران دانشگاه تهران گذشت و حضرتش بجای ایراد نطق و خطابه در برابر انبوه دانشجویان ، به توجیه خوانی درگورستان بهشت زهرا پرداخت . از آن پس نیز در هر منبر و بهر مناسبتی ، ناسزائی شادان دانشگایان کرد . لب کلام او همیشه این بود که ما هرچه می کشیم از دست این دانشگاه به سوده است . و این یکی را درست می گوید ، دانشگاه همیشه دشمن استبداد و استبدادیان است . آخوندهای ایمنی و یسار خمینی نیز ، هیچ لحظه ای وهیچ بهانه ای را برای به بند کشیدن دانشگاه و دانشگایان از دست ننهاده اند . در این میان ، شیخ علی خامنه ای که علاوه بر مناصب دیگر ، ریاست عالی شورای انقلاب فرهنگی را نیز بر عهده می کشد ، پیش از همه برای دانشگاه مشیر می کشد و به هر منبری که می رود گریزی به صحرای کربلا می زند . با آنکه حضرات ، دوسه سالگی در دانشگاه ها را نخته کردند تا به اصطلاح انقلاب فرهنگی شان را پیاپی کنند و در واقع بر نامه ای جامع و کامل برای سرکوب استادان دانشجویان مبارز و پایداری فراهم آورند ، با وجود این ، باز هم دانشگاه ، مهمترین مسئله رژیم باقی مانده است . انجمن های اسلامی که در واقع واحدهای اطلاعاتی و امنیتی رژیم در دانشگاه ها ، شما رمی روند ، با همه امکانات مالی و حیثیت های بی حد و مرز آخوندها ، هرگز نتوانسته اند فریاد انتقاد و اعتراض دانشجویان و استادان آزادیخواه را خاموش سازند . تغییر و تبدیلی های مکرر در مدیریت های دانشگاه نیز سودی ننخشیده است . چندی پیش رئیس حزب الهی دانشگاه تهران را برگرسی وزارت فرهنگ آموزش عالی نشانیدند به این امید که نظارت او بر مجموعه های آموزشی کشور ، کار را یکسره کند و دانشگاه ها را به فیضه های جدید تبدیل سازد . سمناران و کنفرانس ها و کنگره های مختلفی نیز در زمینه وحدت مسوز و دانشگاه برپا شد اما علیرغم این تمهیدات دانشگایان راستین همچنان با روش بیینی ، به مقاومت های مثبت از ما گذشته ، دانشگاه ملی تهران ، صحنه برخورد ها و نا آرامی های بسیار بوده است . برخی از مسئولان دانشگاه که از یک تازی های " حزب الله " به ستوه آمده اند ، می کوشند تا فعالیت آن ها را محدود سازند و حتی یکبار عده ای از اعضای انجمن اسلامی را به دانشگاه راه ندادند حزب الهی های تیر خورده طبق معمول شورائی به نام شورای نیروهای حزب الله در دانشگاه تشکیل دادند و دست به تحمض زدند . در اطلاعاتی که این با اصطلاح " شورا " ی خلق الساعه منتشر ساخت ، چنین آمده است : " تاکنون خون دل خورده و لب فروخته ایم . ولی این بار به دنبال برخورد مدیریت دانشگاه با انجمن اسلامی بیما رستان امام حسین وابسته به دانشگاه شهید بهشتی - ملی سابق - چنان به لب رسید و تا گزیر شدیم فریاد مظلومیت مان را به این نحو به گوش همه مسئولان برسانیم . . . " جالب است که وزیر فرهنگ و آموزش عالی - که خود یک حزب الهی شناخته شده است

## دنیای غرب و خمینی

بقیه از صفحه

دنیای غرب ز زمزمه ای آغاز شده است که مفاهیم حقوق بشر را در جهان سوم بنیاد با استنباطات ملل غربی از حقوق بشر مخلوط کرد . درد و کلمه معنای این حرف این بود که به ما چه مربوط اگر سر در کشورهای جهان سوم حقوق بشر رعایت نمی شود . ما باید در حدود منافع خودمان به مسائل کشورهای جهان سوم توجه کنیم ، بقیه اش مربوط به خود آنهاست . در مورد مفاهیم پیشرفت و توسعه نیز همین را می گفتند و عجب آنکه منادیان چنین نظریه ای ، اسم خود را طرفداران اصلاحات های فرهنگی گذاشته بودند . دقیقاً مثل همان بزرگوارانی که در او اخر دوره گذشته ، همزمان با شکل گرفتن نهضت امام خمینی از زمینستان متفکران و روشنفکران سر برداشتند و گریبان میدریه نند که تمدن غربی و فرهنگ غربی و دمگراسی نوع غربی ما را از خویش خویش بیگانه کرده است ، باید اینها را دور بریزیم و بپردازیم به آستان کهن جا مه خودمان ! ما که یکبار دیده بودیم از کارگاه طرفداران " بازگشت به خویش " با چه ترسندی شال و قیاب ملامحمدبا قمرجلسی و ملامحسن فیضی و شیخ فضل الله نوری تا خورده و او طو شده بیرون آمدیم ! نستیم این مرتبه هم حقه دیگری در کسار است و میخواستند به افکار عمومی غرب مستدری تزریق کنند و نگذارند آنچه در کشور ما و منطقه ما می گذرد هیچانی در ملت های غربی بر انگیزد و کارها بی سروصدا پیش برود . حالا که همه چیز بروقتی مراد انجام گرفته است دیگر دلیلی برای دغلبازی و وارونه چلو ه دادن حقایق وجود ندارد . دیگر کسی نمی گوید رژیم رژیم مرحله هج و مرج انقلابی عبور کرده و به مرحله شهبان سیاسی رسیده و دست اندر کاران بازی اقتصادی صنعت شده است . بی پرده می گویند رژیم اسلامی ایران را به راهی میبرد که پل بوت در کام موج بحرایی تجربه گذاشت . چیزی که ما از هفت سال پیش می گفتیم .

ایران حاکم است و این رژیم رژیم نیست که بتواند نظم و قانون برقرار کند مدایمان به جای نمی رسد چون همین روزنامه تا یعضد مقالات مفصل ، از کار دانی رژیم ستایش می کرده موفق شده است هم جنگ را بخوبی اداره کند و هم اوضاع داخلی را آرام نگه دارد . رادیوهای خارجی هم به استناد چندصاحبه سرودست شکسته با تکی و نکی گاه تلویحا " وگا می تصریحاً " مدعی میشدند که در مقابل رژیم خمینی هیچ مقاومت قابل اعتنائی وجود ندارد . نیویورک تایمز مباحثه چند صفحه ای با حجت الاسلام رفسنجانی به چاپ میرساند . . .

روزی نامه و اشنگتن پست مینوشت هیچ حکومتی در برچیدن بساط کمونیست ها و چپ های افراتی قاطبانه ترا ز جمعوری اسلامی عمل نکرده است . عقل حیران میماند که این دیگر چه بازی غربی است . دنیای صنعتی غرب مجذوب خمینی است یا برعوب او که بر حسب ظاهر رژیم خمینی برای همه شاخ و شانه میکشد و قدرت های بزرگ غربی عوض آنکه عکس العملی نشان دهند به اوضاع و سایر آن را حمایت و تقویت می کنند . بعد از چندین سال حال می فهمیم مادر چه خیال بوده ایم و آنها در چه کار . همه آن بازیها برای رسیدن به جای بود که اکنون رسیده ایم . برای این بود که بجای نفت برگردد به زیره دلار آنچه پول از برکت افزایش قیمت نفت در حساب کشورهای تولیدکننده نفت ذخیره شده بود برگردد به جیب چندکشور بزرگ صنعتی تا آن مختصری نظمی که در نظام مالی جهان پیدا شده بود از میان برخیزد . طبق نظم دیرین ، باز آنها ثوابشان را با گوشت سپینه قفسا ول بخورند و ما برگردیم به نان وینیر یا نان و خرما ی خودمان . یکی دوسال پیش ، درحالتی که ما ایرانی ها سرمان را به دیوار میکوفتیم و حنجره میدریدیم تا توجه جهان نیون را به نفعی حقوق بشر و کشتار و آزار بیرحمانه انسان ها در ایران جلب کنیم تا گمان متوجه شدیم دروسایل ارتباطی

تاکنون هیچ حمایتی از این " انجمن اسلامی " بعمل نیاورده است . و این خود از هرچ و مرجی که بر مجموعه دستگاه های اجرائی و فرهنگی رژیم سایه افکنده است ، ناشی می شود . دانشجویان و استادان روشن بین ، با استفاده از همین تضادهای درونی " که در حکم چشم سفید یار " رژیم است ، بدرستی بهره برداری می کنند و بیرق مقاومت های خودتداوم می بخشند .

بدیهی است که این آشفتگی ها و این نا آرامی های دانشگای ستون فقرات آخوندها را می لرزاند . آن ها دانشگاه را می شناسند و نیروی بر توان مبارزه و پایداری را در هر نفس ، هر حرکت و هر گفته دانشجویان واقعی ، احساس می کنند . پس جای شگفتی نیست اگر چنین می هراسند !

پس از ده ها سینه آروسپیوزیوم و بنیاد دوشورا ، اخیراً " مجمع جدیدی بهایتکار شیخ علی خامنه ای در تهران تشکیل است بنام " مجمع نحوه " اسلامی کردن دانشگاه ها " یعنی شیخ علی خامنه ای دانسته است که پس از هفت سال بگیر و ببند و تعطیل و پاک سازی و تشکیل انجمن اسلامی و جهاد دانشگای و انقلاب فرهنگی ، هنوز آخوندها اندر خم یک کوچه اند . تازه مجمعی تشکیل می شود که راه های اسلامی کردن دانشگاه ها را بررسی کند . سیدعلی خامنه ای در دیدار با اعضای این " مجمع " در ابتدا چنین مقدمه می چیند : " درخت جمهوری اسلامی که غرس شد و نردان ، اگر ریشه نداشته باشد ، خشک می شود . آخوند خامنه ای توضیح نمی دهد که درختی که " ریشه ندارد ، چگونه " تمر " می دهد . ولی از این " مهمل " که بگذریم ، یک نکته را درست فهمیده است : " جمهوری اسلامی ایشان ریشه ندارد و بزودی خشک خواهد شد . آخوندها منتهای همچنان مقدمه می بافد می گوید : " . . . پایداری فرهنگی و جنگ فرهنگی مشکل تر از بر در درجه ها است . . . حمله فرهنگی بی صدا است و هوشمندی بیشتری می خواهد . در هر حمله تبلیغاتی باید فوراً . . . جای پای دشمن را یافت . . . در دانشگاه و محیط فرهنگی هم همین امر وجود دارد و نیز در اسلامی کردن دانشگاه ها . . . به عبارت درست یعنی ، هر کس در دانشگاه ها دست به اعتراض و انتقاد بیا بقول سیدعلی خامنه ای " حمله " تبلیغاتی " بزند ، فوراً " باید او را " مور دشمن شناخت و در جا سرکوبست کرد .

" سوزدل " سیدعلی خامنه ای در مورد دانشگاه آنقدر زیاده است که به این زودی ما موضوع را رها نمی کند و حال که ضربه رایه دانشجویان منحرف یعنی همان ها که در برابر زور و ستم و فساد " ولایت فقیه " پایداری می کنند - زده است ، باید یک گوشمالی درست و حسابی هم به " استادان " نافرمان بدهد . می گوید : " . . . استادی که در سر کلاس بی علاقه به ارزش های انقلاب ، قرآن و مفاهیم اسلامی ، با یاد ها کار کرد بازی کرده و او را می آید ، مانی توانیم او را قبول کنیم . . . گاهی از استاد دومدیر و مسئولین دانشگاه ، این چند جوانی که بعنوان " انجمن اسلامی " . . . مسئول کار هستند نقشان قوی تر ، موثر تر و نافذتر است . . . اینها بسیار ارزشمندند . . . "

از روز روشن تراست ، رژیم که پیکر مشت جا ل و ولگرد و نادان را بر پشت دانش پژوهان رجحان می نهومی خواهد سایه سیاه جهل و خرافات را بر سر فرهنگمداران بکستارند ، محکوم به مرگ و سقوط است .

### اعلامیه نهضت مقاومت ملی ایران

#### بمناسبت

### درگذشت آیت الله شریعتمداری

آیت الله سید کاظم شریعتمداری بعد از ظهر پنجشنبه ۱۴ فروردین ۱۳۶۵ در تهران روی درنقاب خاک کشید . مرحوم شریعتمداری بیما ربود و بزرگان معالجه شویب و با فسانری می کردند که بسر ای معالجه به خارج از کشور اعزام نشود ، ولی خمینی جانی و عمله ظلمت - که هیچگاه مخالفت آن مرحوم را با اصل ولایت فقیه و استبداد دینی فرا نمون نکرده بودند - به رغم احساس و استعانه خویشاوندان ، از صدور اجازه خروج از کشور خودداری کردند تا باره ورنج طاقت فرسای جا ن داد . آیت الله شریعتمداری همان کسی بود که در سال ۱۳۴۲ ، برای نجات جهان خمینی ، بر مرجعیت او - در حالیکه سه در حد چنین مرتبه ای نبود - فتوی داده بود و ایستخنین با دوش خود را از بر مرده خونخوا گرفت . سرنوشت عم انکیز این روحانی شریف که یکی از مراجع مسلم تقلید شیعیان بود ، یکبار دیگر نشان داد که پسر ای خمینی و آخوندهای حاکم مذهب و تظا هر به شاعر مذهبی جزها نه ای براری ادا به سلطه جهنمی ان نیست . نهضت مقاومت ملی ایران این قایعد را به عموم هوطنان ، به بازماندگان آن مرحوم و بخدمت اهلالی ، غیبه اور آذربایجان تسلیم می گوید و اطمینان دارد که مردم آزاده و متدین ما در برابر این شکرری نسبت به بزرگان دین آرام نخواهند نشست و در انتظار فرضی که رینه ، فتنه و فساد را بیوزا نند ، با احترا می نابسته ، مقام روحانی آن بزرگوار شتمکیده ، مراستنییع جنازه وی را بعمل خواهند آورد .

### تلگرامهای تسلیت

حضور مبارک حضرت آیت الله العظمی خوبی دامت برکات و نفع

ضایعه بزرگ جهان شیعیان ، فقیدان حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری را به حضور معظم مبارک تسلیت عرض نموده ، طول عمر مبارک حضرت عالی و رحمت بی پایان برای آن مرحوم را از بارگاه خداوند متعال مسئلت دارم .

ارادتمند ، دکتر عبدالرحمن برومند

حضرت آیت الله زاده آقای مهندس حسن شریعتمداری - ها مبرورگ

در ضایعه استفاک فقدان حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری مثل همه شیعیان جهان شریک غم جنتا بعالمسی هستم . ضمن ابراز کمال تاءسف و تاءثر از این واقعه مؤلمه ، از خداوند متعال مسئلت دارم روح آن مرحوم بزرگوار و جلیل القدر را غرق رحمت و بهجتا بعالی ، صبر جزیل عتایست فرماید .

دکتر عبدالرحمن برومند

# ایران هرگز نخواهد مرد

**نشانی:**  
 QYAM IRAN  
 C. O. C. B.  
 17, bd RASPAIL  
 75007 PARIS  
 FRANCE